

بازخوانی هفت تپه

مخالفان «خصوصی سازی»

و بازگشت به «بیت المال» چگونه آمدند؟

«سمکو نوری»



سال ۱۳۹۶ برای کارگران ایران و خصوصا هفت تپه، سال مهمی بود. دور دیگری از اعتراض‌های کارگری در هفت تپه از دوم فروردین شروع شد و در دی‌ماه همان سال به اوج خود رسید. این اعتصابات علیرغم تهدید و سرکوب، دستگیری و اخراج و دسیسه‌های مختلف اما شکل تازه‌ای به خود گرفت و به کابوس جدی برای رژیم اسلامی تبدیل شد. دی‌ماه سال ۹۶ و تصمیم رژیم برای افزایش قیمت بنزین جرقه‌ای بر بشکه باروت نفرت از فقر و فلاکت اقتصادی و استثمار بود و همزمان به اعتصابات کارگری علی‌العموم و اعتصابات کارگری هفت تپه به طور اخص که قبل از آن شروع شده بود جان تازه‌ای بخشید. کارگران هفت تپه از طرق مختلف حمایت خود را از این خیزشها اعلام کردند و این خیزشها نیز گوشه‌ای از همبستگی، سازماندهی و رهبری و همچنین انفجار نفرت و در همان حال پتانسیل سرنگون کردن این حکومت را به سران رژیم نشان داد.

نگارنده بر این باور است که پیشروی کارگری در هفت تپه تاکنون نیز چنان رژیم اسلامی را ترسانده که یک حساب جداگانه برای هفت تپه باز کرده است. گسیل بسیج دانشجویی یا دانشجویان موسوم به عدالتخواه، شورای اسلامی، خانه کارگر، رئیس و روسای رژیم از شهر شوش گرفته تا استان خوزستان و وزارت اطلاعات و صدا و سیما و قوه قضاییه رژیم تا عوامل سرکوبگر مسلح، صرفا برای مقابله با یک تجمع کارگری نبوده نیست. باید در هفت تپه اتفاقی افتاده باشد که این لشکر پوشالی را به خط کرده اند. سال ۹۶ و ۹۷ شروع و همچنین اوج مبارزات در هفت تپه بود. رژیم اسلامی با کمک گرفتن از شیوه‌های مختلف و عوامل مزدور در پس سرکوب کارگران، تلاش کرد این مبارزات را که در ابتدای سال ۹۷ به نقطه حساسی رسیده بود در وهله اول سرکوب و در قدم بعدی منحرف کرده و به کانال جنگ و جدال بانندی و جناحی بیاندازند. از یک مقطع به بعد در هفت تپه می بینیم که شعارها یواش یواش عوض میشود، پلاکاردهای شورای اسلامی که در حاشیه بود به متن می آید، حقوق و دستمزد به کنار می رود و مسئله مبارزه با نئولیبرالیسم، خصوصی سازی، نبود اهلیت کارفرما و دفاع از بیسار کارفرمای "لایق" توسط عوامل شورای اسلامی وارد اعتصابات میشود.

همانطور که در مطلب قبلی " پرچم هفت تپه، تهدیدها و نگرانیها " اشاراتی کردم، به دلیل وحشت رژیم از رادیکالیزه شدن اعتصابات کارگری در هفت تپه و برافراشتن پرچم آلترناتیو شورایی، رژیم دو سیاست را به موازات هم علیه کارگران هفت تپه به کار گرفت. سیاست سرکوب نرم و سرکوب سخت. رژیم اسلامی در قدم نخست با تهدید کارگران و از جمله باندهای مسلح که سر راه کارگران و از جمله اسماعیل بخشی سبز می شدند، اتهام دزدی به کارگران از مهمانسرای مدیران که در پایین تر به فاکتهای آن اشاره میشود، دروغ گویی و وعده های توخالی در مورد واریز حقوق کارگران، دستگیری و بازداشت و در نهایت زندانی و شکنجه و اخراج برخی از فعالین کارگری و دور کردنشان از هفت تپه، فضا را برای پیشروی پیاده نظام خود یعنی شورای اسلامی، مهیا کرد. یا باید ادعا کرد که رژیم از طریق عوامل مزدورش در هفت تپه از جمله بسیج دانشجویی و شورای اسلامی هیچ حضوری نداشتند یا اگر رژیم از طریق این افراد چنین تلاشی می کردند، باید بتوان نشان داد که این گرایش وابسته به رژیم چه شعاری، چه پلاکاردی و چه بحثهایی را به میان کارگران و به منظور منحرف کردن سیر این اعتصابات به میان کارگران می بردند. این اصلا اتفاقی نبود که در میان اعتصابات گرایشی تلاش می کرد فریاد کارگران را به سمت نئولیبرالیسم، خصوصی سازیهای "بد"، نبود اهلیت و عدم لیاقت کارفرما و خلع ید و ... سوق دهد،

شعارها، بحثها و پارچه نوشته هایی که اتفاقا در تلویزیون و دیگر رسانه های رژیم نیز برجسته می شد.. این تلاشها و این شعارها در مقابل این گفته برجسته می شد و میشود که می گفت، آلترناتیو ما شوراهای کارگری و مردمی است، یعنی از پایین به بالا و حتی بر دولت نظارت کند. گسیل نیروی سرکوبگر، اخراج رهبران میدانی هفت تپه از کار و دور کردنشان از اعتصابات، شکنجه و احکام کیلویی قوه قضاییه رژیم همه و همه در مقابل این آلترناتیو برجسته شده بود. در جنبش کارگری ایران این نخستین بار بود که کارگران از شوراهای مستقل کارگری، آلترناتیو شورایی، مرزبندی با ناسیونالیستها و مرتجعین مرزبندی میکند. رژیم ضد کارگر اسلامی با دیدن این پرچم در بیخ گوشش به وحشت افتاده بود. رژیم میدانست و میداند که در صورت گسترش چنین آلترناتیوی، در صورت تبدیل شدن چنین پرچمی به خواست طبقه کارگر ایران باید گورش را گم کند. این "شبح" همچنان بر بالای سر رژیم در حال گشت و گذار است.

اینکه پس از مدتی اعتصاب متحد و شعارهای واقعی و طرح خواسته های واقعی، اما از درون این اعتصابات کارگری شعارهای دیگر از جمله "الله اکبر، کفن پوشی، مرگ بر اسدبیگ ساواکی، باد زدن نفرت قومی، برجسته کردن هویت کاذب ایرانی، مرگ بر کارگر و..." بیرون می آید مستقل از اینکه چند نفر از کارگران به هر دلیلی آن را در مقطعی تکرار کرده باشند، اما این دست و پا زدنهای تلاش رژیم برای انحراف و در واقع آماده کردن فضای اعتصابات برای سرکوب و حرکت پیاده نظام شورای اسلامی و بسیج دانشجویی بود و است. این تلاشهای رژیم که تهدیدی جدی علیه کارگران در هفت تپه است اما میشود پر قدرت تر و سر بزنگاه در مقابل آن ایستاد و با طرح شعارها و خواسته های واقعی که به سفره کارگران مربوط می شود، این تلاشها را خنثی و دست عوامل رژیم از جولان در هفت تپه را کوتاه کرد. در واقع خطاب این نقد به احزابی است که مدعی دفاع از کارگر هستند. احزاب مدعی نداشتن منافعی جدا از منافع کارگر، اگر اینجا و آنجا علیه این یا آن شعار انحرافی هم صحبتی کردند، اما عدم پیگیری و تعمیق آن نقد، باعث شد هفت تپه را به دست قضا و قدر سپرده و بعضا از فرط بی خبری از وضعیت به توجیه همان شعارهای انحرافی و بی ربط پرداختند.

خیز برداشتن کارگران هفت تپه در سال ۹۶ و طرح خواسته ها و شعارهای رادیکال، رژیم را واداشت که جلوی گسترش و تعمیق این اعتصابات را که می رفت با اعتصابات در فولاد اهواز، هپکوی اراک و آذربایجان و خیزشهای توده ای یکی شوند را بگیرند و از همان سال بر روی اعتصابات در هفت تپه که پرچم آلترناتیو کارگری را بلند کرده بود، تمرکز کنند. یکی از عوامل شورای اسلامی که در پیشا مضحکه انتصابات رژیم در "ستاد تبلیغی جلیلی" به صورت مجازی ظاهر شد عینا همین را با زبان رژیم بیان کرد. "مسلم چشمه خاور" که قبلا کمتر اثری از ایشان در اعتصابات {خصوصا فضای مجازی} به چشم می خورد، در پس گستراندن فضای سرکوب از جانب رژیم مجال پیدا کرد و با طرح به اصطلاح خواسته های کارگری مانند اینکه "اقایان دلار دولتی گرفته اند، آقایان اختلاس کرده اند، اولین خواسته ما خلع ید است و..." زمان تلاش رژیم برای دخالت و نفوذ به هفت تپه را لو میدهد. ایشان که در "ستاد جلیلی" به صورت مجازی ظاهر شد اعلام کرد که سال اول اعتصابات {منظور سال ۱۳۹۶}، "ضد انقلاب و رسانه های بیگانه" میخواستند بر موج اعتصابات سوار شوند و موج سواری کنند، تا اینکه "عدالتخواهان و بچه های حزب الهی" آمدند و فضا را عوض کردند. ایشان در ادامه میگویند پس از این مدت {یعنی پس از سال ۹۶ تا اواسط سال ۹۷ که هفت تپه تماما در دست کارگران رادیکال بود}، شعارها را عوض کردند. مقطعی که مسلم چشمه خاور در آن ویدیو میگوید "بچه های حزب الهی با دست خالی آمدند" و بعدا

شعارها را عوض کردند، دقیقا با سرکوب کارگران، دستگیری بخشی، گسترش فضای سرکوب و گسیل اوباش نظامی رژیم همخوانی دارد. با نگاهی ترتیبی به دو کانال تلگرامی که اعتصابات کارگران هفت تپه در آن منعکس میشود، میتوان دید که تقریبا از همان مقطع مزدوران رژیم چنین تلاشی را سازمان داده اند.

بدیهی است که از روز نخست عوامل شورای اسلامی، خانه کارگر و بسیجی ها در میان این اعتصابات بودند، اما به دلیل بالا بردن یک پرچم رادیکال در هفت تپه، اوباش رژیم نه بحثی برای مطرح کردن داشتند، نه با شعارهای اسلامی و حمل پلاکارد "خامنه ای و رئیسی" توانستند کاری از پیش ببرند. اما پس از اجرای مرحله نخست و کار بر روی شعارها و خواسته های کارگران و تزریق شعارهای انحرافی و در مرحله بعد، دستگیری و اخراج و گسترش فضای سرکوب علیه کارگرانی که پرچم آلترناتیو شورایی را بلند کرده بودند، عوامل بسیجی و شورای اسلامی و پادوهای آنها در هفت تپه مجال پیدا میکنند که خودی نشان بدهند. مطلب پیش رو تلاش میکند با نگاهی عینی به وقایعی که در هفت تپه گذشت و تاکنون نیز در جریان است نشان دهد که از چه تاریخی عوامل رژیم تلاش کردند شعارهای انحرافی، خواسته های بی ربط به کارگران را در هفت تپه جا بیاندازند. در پایان هر پاراگراف شماره ای گذاشته شده است که شماره لینک مربوط آن مبحث است و خواننده با مراجعه به آن لینک میتواند عینا ببیند در آن تاریخ چه چیزی در هفت تپه گذشت و این صحبت‌هایی که نویسنده این مطلب مدعی است بر پایه کدام فاکت می باشد. بازخوانی هفت تپه از دریچه رویدادهایی که عینا اتفاق افتاده است بررسی سیر مبارزات در هفت تپه است که میتواند تا حدود زیادی به یک تحلیل ابژکتیو در مورد هفت تپه کمک کند.

آنچه در هفت تپه گذشت

اعتصابات در هفت تپه در اعتراض به وعده های مکرر دروغ از سوی مدیریت شرکت نیشکر در مورد دستمزد و سایر حقوق کارگران خصوصا دستمزد ۴ ماه از ابتدای سال ۹۶ و همچنین به حقوق پرداخت نشده سال ۹۴ و لیستی بلند بالا از سایر حقوق پایمال شده از طرف ریاست و مدیریت و قائم مقام هفت تپه شروع شد. این اعتصابات تا تاریخ ۲۵ دیماه ۹۶ که شخصی به نام "کاظمی" به عنوان مدیر عامل هفت تپه در اعتصاب کارگران حضور پیدا میکند و یک سری وعده توخالی به کارگران تحویل میدهد ادامه دارد که علیپور - نماینده کارگران و عضو هیئت مدیره سندیکا نیشکر هفت تپه - به همراه یکی دیگر از نمایندگان کارگران به نام اسماعیل بخشی در آن اعتصاب سخنان کوبنده ای علیه این شخص "مدیر عامل هفت تپه" بیان میکنند. کاظمی - مدیر عامل شرکت برای ساکت کردن کارگران و جلوگیری از ادامه و گسترش اعتصاب اقدام به پخش فیش حقوقی ۲ ماه سالهای ۹۴ و همچنین دستمزد پرداخت نشده ماههای ابتدای سال ۹۶ در میان کارگران میکند که خود کارگران به طرق مختلف وعده های دروغین و همچنین تلاش بیهوده مدیرعامل شرکت برای جلوگیری از گسترش اعتصابات را افشا کرده و اعلام میکنند که تا مخابره شدن آن خبر هیچ پولی به کارگران پرداخت نشده است. پس از این تاریخ و این وعده های توخالی، اعتصابات کارگری وارد دور تند خود میشود. {۱،۲}

۲۵ دیماه ۹۶ سخنانی کوبنده اسماعیل بخشی علیه سرمایه داران هفت تپه و اولتیماتوم ایشان به مدیران هفت تپه که اگر تا آخر "این هفته" خواسته های کارگران متحقق نشود دیگر خواسته ای نداریم بلکه

هفت تپه را پس میگیریم، سوء قصد به جان ایشان را به دنبال داشت. {۳، ۴} عوامل رژیم و حامی کارفرمای هفت تپه که به سلاح گرم و سرد مسلح بودند، برای ساکت کردن صدای آژیتاتور کارگری هفت تپه "اسماعیل بخشی" تلاش میکنند با نشان دادن جنایت پیشگی رژیم، میزان مصمم بودن این رهبر کارگری را بسنجند و در صورت امکان به عقب نشینی وادارش کنند. اسماعیل بخشی در جریان این حمله تروریستی عوامل رژیم و حامی کارفرمای هفت تپه از ناحیه دست زخمی میشود و اوباش مسلح رژیم پس از تیراندازی هوایی در پی تجمع مردم در محل، پا به فرار میگذارند. پس از دسیسه های رژیم برای مرعوب کردن و ساکت کردن نماینده کارگران هفت تپه، اعتصابات به پراخت نکردن دستمزد و لیستی بلند بالا از خواسته های کارگری با قدرت تمام ادامه می یابد و عوامل رژیم و حامی کارفرمای هفت تپه به شکست کشیده شدن پروژه های امنیتی خود علیه کارگران را به وضوح می بینند.

۱۵ بهمن ۱۳۹۶ عوامل رژیم که دسیسه های امنیتی شان برای مرعوب کردن رهبران کارگری به شکست می انجامد نیروهایشان را به هفت تپه سرازیر کرده و جو امنیتی سنگینی را بر هفت تپه حاکم میکنند. طبق اخباری که از کانال سندیکای هفت تپه پخش شد ۱۵ بهمن ۹۶ اسماعیل بخشی، کرامت پام، رحیم بساک علیپور به همراه بیش از بیست تن دیگر از کارگران بازداشت میشوند. بازداشت کارگران توسط نیروهای گارد ویژه که از شب قبل در محوطه شرکت حضورچشمگیر داشته اند صورت می گیرد. {۵} رژیم اسلامی تا این تاریخ نه با وعده توخالی میتواند کارگران را به سکوت وادارد، نه با طرح تروریستی علیه رهبران کارگری از جمله اسماعیل بخشی و نه گسیل نیروی "گارد ویژه" و حاکم کردن فضای نظامی بر هفت تپه و هم چنین نه با دستگیری و سیاست شل کن سفت کن در روند دستگیری و بازی نخ نمای زندانی کردن و ازاد کردن. هیچکدام از دست و پا زدن های رژیم که تماما حامی و پشتیبان کارفرمای هفت تپه بودند نه تنها کارگران را به سکوت وانداشت بلکه آنها را بیشتر در ادامه راه مصمم و در تعقیب خواسته هایشان پابرجاتر میکند. {۶}

وعده توخالی کارفرمای هفت تپه در کنار گسیل نیروی نظامی به هفت تپه و دستگیریها، فضایی را در هفت تپه رقم میزند که باعث خودکشی تعدادی از کارگران هفت تپه میشود. علی نقدی کارگر زحمتکش نی بر هفت تپه به خاطر فقر و تنگدستی، متاسفانه دست به خودکشی زد و جان باخت. از طرفی دیگر کارگران هفت تپه زمانی به ماه اسفند ۹۶ و پایان سال نزدیک میشوند که هنوز بخش زیادی از خواسته هایشان پرداخت نشده و از طرفی دیگر رژیم اسلامی در همکاری با کارفرمای هفت تپه نیروی نظامی به هفت تپه گسیل داده است و در همین روزها سندیکای هفت تپه اعلام میکند اشخاصی {که اسم آنها از طرف کانال سندیکا در تلگرام برده نشده} به عنوان نماینده کارگران خود را به کارفرما معرفی میکنند. سندیکای هفت تپه می نویسد: " درضمن طی چند روز گذشته افرادی خود را نماینده کارگران به کارفرما معرفی کرده بودند، این در حالیست که حداقل از زمانی که نیشکر هفت تپه به بخش خصوصی واگذار شده است هیچ گونه انتخاباتی صورت نگرفته است." {۷} ۲ اسفند ۱۳۹۶ سندیکای هفت تپه طی فراخوانی به کارگران از آنها میخواهد که به اعتصاب ادامه دهند و در ضمن سندیکا اعلام میکند که مدیریت هفت تپه در همکاری با دادگستری شوش به جای پاسخ به خواسته های برحق کارگران برای آنها احضاریه میفرستند. اسماعیل بخشی، کرامت پام، رمضان علیپور، رحیم بسحاق و ثامر سواری جزو کسانی هستند که مدیریت هفت تپه در همدستی با دادگستری رژیم و برای ساکت کردنشان به پرونده سازی و احضاریه فرستادن رو می آورند. حقوق دی و بهمن ۹۶ و معوقات بهمن و اسفند ۹۴، تغییر وضعیت قراردادهای

کارگران روزمزد و اقبالی، پاداش کشت و بهره برداری سال ۹۵ و همچنین پاداش کشت سال ۹۶ و هشت ماه حق بن کارگران روزمزد سال ۹۵ و خواسته هایی از این دست جزو موارد مورد اعتراض و اعتصاب کارگران هفت تپه از طرف سندیکا اعلام میشود. {۸} اعتصاب همچنان ادامه دارد و کارگران برای پیگیری خواسته هایشان همچنان در حال اعتراض هستند و طبق اطلاعیه سندیکای هفت تپه به تاریخ ۸ فروردین ۱۳۹۷ تحت عنوان "حقوق می‌خواهیم نه وعده" اعلام می‌کند که هیچ یک از خواسته های کارگران پاسخ نگرفته است، اما در عوض عوامل امنیتی رژیم از هر طرف فضای سنگینی را بر هفت تپه حاکم میکنند که اطلاعیه اعلام میکند برغم این فضای امنیتی اما به روحیه مبارزاتی کارگران هفت تپه خدشه ای وارد نشده است و خواهان ادامه اعتصاب با همان قدرت هستند. سندیکای هفت تپه در همین اطلاعیه می‌نویسد: "تا امروز که هشت روز از سال ۹۷ را پشت سر گذاشته ایم هیچ خبری مبنی به پرداخت عیدی و پاداش سال ۹۶ نمیباشد". {۹}

کارگران هفت تپه از ابتدای سال ۹۶ که دور دیگری از اعتصابات را شروع میکنند از یکطرف با اخراج و دستگیری که در تاریخ ۳۰ مرداد، ۱۳۹۶ نه نفر از آنها توسط ماموران کارفرما از ورود به محل کار منع و اخراج میشوند که ۲ نفر از این کارگران اخراجی از جمله کسانی بودند که مدت ۳ روز در مقطع اعتصاب تحت بازداشت بودند و همچنین یورش به منزل شخصی تعدادی دیگر از آنها در تاریخ ۴ مرداد، ۱۳۹۶ و دستگیری ۱۵ نفر از آنها و انتقال به مکانی نامعلوم، پرونده سازی، کارهای تروریستی و به خدمت گرفتن نیروی سرکوب رژیم هرچه در توان داشتند برای ساکت کردن اعتصاب به کار میگیرند اما از طرفی دیگر هر بار با اراده مصمم تر کارگران اعتصابی روبرو میشوند. نپرداختن دستمزدها و برآورده نشدن سایر خواسته های کارگران، ایجاد جو نظامی و ارباب، به خدمت گرفتن نیروی سرکوبگر رژیم از طرف کارفرمای هفت تپه، یورش به منزل فعالین کارگری و بازداشت و پرونده سازی هیچکدام برای رژیم جواب نمیدهد و از طرفی دیگر کارگران هفت تپه هر بار اعلام میکنند که فردا دوباره اعتصاب را از سر میگیرند و این فراخوانها در فضای مجازی نمی ماند و به عمل تبدیل میشود.

به تاریخ ۹ فروردین ۱۳۹۷ و پس از کشیده شدن اعتصابات به جلوی فرمانداری شوش و فشار نیروهای سرکوبگر رژیم به کارگران که طبق گفته خودشان نهایتاً از آن جمعیت تنها ۱۰۰ نفرشان به جلوی فرمانداری رسیده اند، نوشته ای تحت عنوان "پیام دریافتی از یکی از کارگران" در کانال سندیکای هفت تپه درج میشود که از چند جهت قابل تامل است. از طرفی در این پیام آمده است که "امروز سه راه هفت تپه ماشین های اطلاعات و نیروی انتظامی سعی در توقف کارگران داشتند ولی در نهایت پیش از بیمارستان شوش، توانستن بیشتر کارگران رو متفرق کنند." از طرفی دیگر در همین پیام آمده است که "تعداد اولیه کارگران به نسبت زیاد بود، و وسایل نقلیه هم زیاد بودن ولی آخرش حدود ۱۰۰ نفر رسیدیم جلوی فرمانداری. یکی از مامورین هم چپ و راست، از تجمع کارگران عکس می‌گرفت." و از طرفی دیگر و برای اولین بار و با تاکید از **اخراج بخش خصوصی** صحبت میکند و ضمن اینکه کلا "تجمعات" را بی ثمر میداند، اعلام میکند که "کلا توی تجمع هم نمیشه نتیجه کلی نهایی و قطعی گرفت وگرنه خواسته اول ما اخراج بخش خصوصی و برگشت شرکت به دولت هست." در کنار این پیامهای تلگرافی که مامورین چپ و راست عکس می‌گرفتند، تجمعات کلا بی نتیجه است، با همان زبان تلگرافی گفته میشود که "معاون فرماندار هم فقط سعی در آرام سازی داشت و هیچ نتیجه خاصی حاصل نشد و "فعلاً هم ظاهراً جلسه شورای تامین در اهواز تشکیل شده".

اینکه در بیرون از فضای مجازی و تا پیش از این در محیط کار، کارگران چگونه در مورد "بخش خصوصی" صحبت کرده اند، چگونه توصیفش کردند و یا نظرشان در مورد آن چه بوده فعلا بر کسی عیان نیست اما تا جاییکه به فضای مجازی برمیگردد و تاجاییکه به کانال سندیکا برمیگردد این اولین نوشته با امضای "پیام یکی از کارگران" در کانال تلگرامی سندیکای هفت تپه است که از این تاریخ به بعد تمام خواسته های این دور از اعتصابات در هفت تپه را با یک پیام گنگ و عجیب قیچی میکند و یک کلام میگوید تجمعات بی نتیجه است، خواسته اول "کارگران" اخراج بخش خصوصی است، اطلاعات و نیروی انتظامی آمدند، معاون فرماندار هم برای "آرام سازی" آمده است، "جلسات شورای تامین در اهواز برگزار میشود". {۱۰}

۱۱ فروردین ۱۳۹۷ کانال سندیکا اسم تعدادی از کارگران را در این کانال درج میکند که به دادگستری شوش احضار میشوند و در حالی از طرف نیروی انتظامی بازداشت میشوند که قبلا "افسرنگهبان" دادگستری به آنها گفته است که امروز تعطیل است. در اطلاعیه دیگر سندیکا این خبر تصحیح میشود و گفته میشود که دستگیر شدگان ۱۰ نفر بوده اند که به جز "حبیب چنانی" همگی در ۱۵ فروردین ازاد شده اند و آقای چنانی هم در ۱۸م فروردین با گذاشتن فیش حقوقی به عنوان وثیقه ازاد میشود. {۱۱}

۲۲ فروردین ماه ۹۷ گفته میشود که مذاکرات کارگران با نمایندگان رژیم برای تعیین دستمزد سال ۹۷ به پایان رسید که سندیکا با گفتن اینکه پرونده مزد ۹۷ بسته شد از آن یاد میکند. در این مذاکرات کارفرما را موظف میکنند که حقوق کارگران مطابق قرار باید پرداخت شود. {۱۲} سندیکای کارگران هفت تپه با ارائه یک لیست، مشخصات دستمزد کارگران را که طبق گفته خودشان، کارفرما موظف به پرداخت آن شده است، اعلام میکنند. مشخصات خواسته های کارگران یا همان دستمزد که برای آنها از فروردین ۹۶ اعتصاب کرده بودند و در جلسه مذاکره به تاریخ ۲۲ فروردین که کارفرما را موظف به پرداخت آنها کرده بودند عبارت از نکات زیر بود.

مشخصات حقوق و دستمزد با توجه به بخشنامه

ردیف شرح مبلغ

۱-حقوق پایه روزانه

۲- حداقل حقوق ماهانه

۳-حق بیمه ۱ روز

۴-حق مسکن

۵- حق خواربار

۶- حق اولاد یک نفر

۷-حق اولاد ۲ نفر

۸- پایه سنوات روزانه

۹-حق سنوات

۱۰-حداقل عیدی

۱۱- حداکثر عیدی

۱۲-حداکثر حقوق مشمول بیمه با چند برابر

- ۱۳- معافیت مالیاتی ماهانه
- ۱۴- مازاد معافیت تا مبلغ با درصد ماهانه
- ۱۵- مازاد تا مبلغ با درصد ماهانه
- ۱۶- مازاد تا مبلغ با درصد ماهانه
- ۱۷- مازاد تا مبلغ با درصد ماهانه
- ۱۸- ساعت کار در ماه برای مشاغل عادی
- ۱۹- ساعت کار برای مشاغل سخت و زیان آور
- ۲۰- مدت مرخصی در سال برای مشاغل عادی با احتساب ۴ جمعه
- ۲۱- مدت مرخصی در سال برای مشاغل سخت با احتساب ۴ جمعه
- ۲۲- تعداد روز کاری در هفته ۶
- ۲۳- ساعت کاری روزانه ۷/۳۳
- ۲۴- تعداد روز سال ۳۶۵

۱۵ آوریل ۲۰۱۸

بله همانطور که می بینیم در این ۲۴ بند از خواسته های کارگران هفت تپه که طی مذاکرات، کارفرما را موظف به پرداخت آنها کرده اند اثری از به اصطلاح "خواسته اول" یعنی اخراج بخش خصوصی در آن نیست. در این مطلب که در ۲۲ فروردین ۹۷ در کانال سندیکا درج شده، در پایان آمده است که: "از قرار معلوم در روزهای آینده بخشنامه مزدی توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ابلاغ می شود. گفتنی است در روزهای پایانی سال ۹۶، حداقل مزد ۹۷، به میزان ۱۹/۸ درصد افزایش یافت." در ادامه خواهیم که دید که پرونده مزد ۱۳۹۷ در حالی بر روی کاغذ بسته میشود که هنوز کارگران هفت تپه برای پرداخت دستمزد و سایر خواسته های به قول خودشان "تومانی" در حال اعتصاب هستند. رژیم از یک طرف جلسات مذاکره کذایی با کارگران برگزار میکند، از طرفی به کارگران اعلام میکند که پرونده دستمزد ۹۷ بسته شده است و لیست درصدی افزایش دستمزد را اعلام میکند و از طرفی دیگر و در عمل کارگر هفت تپه برای دستمزد سال قبل یعنی سال "۹۶" هنوز باید اعتصاب کنند. ۱۲ اردیبهشت ۹۷ بار دیگر کارگران هفت تپه برای نپرداختن دستمزد بهمن ماه ۹۶ اعتصاب میکنند. کارگران هفت تپه اعلام میکنند که " کارگران شیفت شب شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه دست از کار کشیدند و در پی آن کوره های بخار و قسمت آسیابها و همچنین بخشهای تولید شکر تعطیل شد. علت اعتصاب کارگران پرداخت نشدن دستمزد بهمن ماه ۹۶ میباشد." {۱۳، ۱۵}

به تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ بیانیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ، سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در گرامیداشت اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر در کانال سندیکای هفت تپه درج میشود. در بند شماره ۹ این بیانیه مشترک آمده است: "۹- در شرایط تورم و گرانی روز افزون اعمال سیاست های اقتصادی مخالف عدالت اجتماعی معروف به سیاست های ریاضتی همچون رها سازی قیمت ها، تعدیل کارکنان و خصوصی سازی های منجر به اخراج کارگران و مقررات

زدایی حقوق کار و نابود سازی دستاوردهای چند ده ساله حقوق کارگری و تعرض ضد کارگری به قانون کار را محکوم کرده و خواهان پایان بخشی به این سیاست های اقتصادی ضد کارگری و ضد عدالت اجتماعی هستیم." بیانیه مشترک این چهار تشکل کارگری و بازنشستگان در کنار تعداد زیادی خواسته های واقعی اما در این بند، بر روی یک مسئله کاملا متفاوت از سایر خواسته های دیگر انگشت میگذارند. این بند، انحراف از خواسته های دیگر محسوب میشود که در این بیانیه مشترک به درست به آنها اشاره شده است. "تعرض ضد کارگری به قانون کار" و "خصوصی سازی" آن حفره ای است که جدال جناحی را به دخالت و خالی کردن این مبارزات از محتوا دعوت میکند." {۱۴}

در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۹۷ اولین تلاش کارفرمای هفت تپه برای اخراج اسماعیل بخشی و یکی دیگر از کارگران به نام قربان علیپور تحت عنوان قرارداد کوتاه مدت سه ماهه و به بهانه اینکه این کارگران "از رفتار خوب و شایسته در شرکت برخوردار نیستند" به جریان می افتد که به آنها گفته شده در صورت "اصلاح رفتار، مجدداً قرار داد یکساله بسته خواهد شد". سندیکای کارگران هفت تپه این تلاش کارفرما برای ساکت کردن کارگران معترض را محکوم میکند و اعلام میکند که در پشت این ادعا که "رفتار" این کارگران "شایسته نیست" میخواهند کارگران را ساکت کنند یا به قول مطلبی که در کانال سندیکا درج شده "یعنی اینکه ما به سفره خالی خود راضی باشیم". سندیکا همچنین اعلام میکند که این یک تضاد آشتی ناپذیر میان کار و سرمایه است و کارگران هفت تپه را به حمایت از این دو نفر فرا میخواند. {۱۶}

در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۷ مطلبی با امضاء شخصی به نام ابراهیم امیری که از آن به عنوان فعال کارگری سندیکای هفت تپه اسم برده میشود، رو به "همکاران، دوستان، مسئولین شهرستان" تحت عنوان "استارت مرگ تدریجی. نیشکر در هفت تپه" درج می شود. ابراهیم امیری در این نوشته سرتاپا توهم برانگیز به مسائلی اشاره میکند که تنها میتوان از به عنوان پاشاندن تخم توهم به رژیم و دم و دستگای آن در محل، منحرف کردن خواسته های کارگران هفت تپه که قبلاً در ۲۴ بند به مشخصات آن اشاره کرده بودند نام برد. ایشان از آنجاکه احتمالاً یکی از "فعالین هفت تپه" باشد، در نتیجه و طبیعتاً میباید در جریان این لیست از خواسته های کارگران باشد، اما کاملاً بی توجه به این خواسته ها با عاریت گرفتن از اسم "همکاران و دوستان"، اما تلویحاً و رسماً از مسئولین رژیم میخواهد که هوشیار باشند، و همچنین جاده ورود آنها به هفت تپه را صاف میکند. ایشان در بخشی از مطلب توهم افکنانه خود، رو به "همکاران، دوستان، مسئولین شهرستان" میگویند: "در اینجا با دوگانگی عملکردی و گفتاری آقایان سهامدار روبرو می شویم که نشان از عدم تخصص و صداقت عملکرد آقایان برای ادامه حیات هفت تپه را بدنبال دارد.... آری دوستان این سراب و باتلاقی که هفت تپه را فرا گرفته دستاورد خصوصی سازی و عدم اعمال نظارت و یا تامل مسئولین نظارتی بر محل ارتزاق جماعت کثیری است که در هفت تپه شاغل هستند..... اینجاست که مسئولین امنیتی و بلند پایه شهری باید بیش از پیش هوشیار شوند چون جماعت کثیری در آینده نچندان دور با روند کنونی به جمع بیکاران منطقه افزوده خواهند شد." {۱۷}

همزمان با اعتصابات، دادگاهی و احضاریه برای کارگران، شکایت کارفرمای هفت تپه از فعالین میدانی هفت تپه و نپرداختن دستمزد کارگران، آتش سوزی و انفجار در بخش خوراک دام مجتمع نیشکر هفت تپه هم به لیست مسائل دیگر اضافه میشود. ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ سندیکای کارگران هفت تپه اعلام میکند که در بخش خوراک دام و طی یک انفجار، آتش سوزی میشود. در ادامه دسیسه های کارفرمای هفت تپه که احتمال دست داشتن عوامل آنها در این آتش سوزی هم میرود، کارگران هفت تپه پرده از یک دسیسه دیگر

کارفرا و عوامل همسو با ایشان برمیدارند. سه روز پس آتش سوزی در بخش خوراک دام در هفت تپه و در ۲۴ مرداد ۹۷ کارگران هفت تپه اعلام میکنند که توطئه و دسیسه های مدیران شرکت هفت تپه ادامه دارد و اینبار تعدادی از کارگران را به دزدی در مهمانسرای ایشان متهم می کنند. گفته شده است که به ارزش یک میلیون دلار پول و جواهرات از این مهمانسرا دزدیده شده، اما این در حالی است که گفته کارگران هیچ اثری از این مسئله در هیچ یک از دوربینهای مدار بسته نیست و ادعای واهی و پوچ است. طرح این ادعا از طرف مدیران هفت تپه در حالی صورت میگیرد که، مبلغ مذکور یعنی ۱ میلیون دلار، پنج ماه پیش به سرقت رفته است. پرونده ای که برای این منظور باز و بسته میشود در اصل با طرح شکایت از کارگران به علت "اخلال در نظم عمومی از طریق تجمع درب فرمانداری" باز میشود که این مورد یعنی سرقت ۱ میلیون دلار هم در آن گنجانده میشود. اینها در واقع تنها جزئی از فشارهای نرم افزاری رژیم و همکاری دم و دستگاه سرکوب با کارفرمای هفت تپه محسوب میشوند که با ردالت تمام تلاش میکنند کارگران را از ادامه اعتصاب و اعتراض بازدارند که کارگران هفت تپه دست شان را میخوانند و این تلاشها را افشا و خنثی میکنند. {۱۸، ۱۹}

۲۷ مرداد در حالی اعتصاب کارگران هفت تپه وارد پنجمین روز خود میشود که آنها میگویند با گذشت ۵ ماه از سال ۹۷ هنوز دستمزدی دریافت نکرده اند. اسماعیل بخشی یکی از رهبران کارگری در این اعتصاب و در جلوی "حراست شرکت" حاضر میشود و سخنرانی میکند. {۲۰، ۲۱}

۲۸ مرداد ۹۷ کارگران هفت تپه در ادامه اعتصاب خودشان در محوطه شرکت اعتصاب میکنند و اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان کارگری هفت تپه بر بالای سنگر برای کارگرن سخنرانی میکند. اسماعیل بخشی در مورد نپرداختن دستمزدها، نبود امنیت محیط کار، نبود وسایل و لوازم ضروری محیط کار مانند دستکش و لباس کار و همچنین تاکید بر برپایی شوراهای مستقل کارگری که از پایین به بالا شکل میگیرد و بر عملکرد دولت و نهادهای دولتی هم نظارت دارد صحبت میکند. این اتفاقی است که به صورت مادی در هفت تپه می افتد اما همزمان با نگاهی به صفحه تلگرامی سندیکا که اینجا و آنجا به درج یک مطلب یا نوشتن حتی یک خط در کانال در مورد خصوصی سازی و بخش خصوصی اشاره میکنند، شاهد یک اختلاف فاز میان فضای عینی در هفت تپه و فضای مجازی و کانال پخش اخبار کارگران هم می شویم. {۲۲}

اعتصاب کارگران هفت تپه در ۲۹ مرداد ۹۷ همچنان ادامه دارد و از طرفی دیگر اعتصاب کارگران فولاد نیز اولین روز تجمع خودشان را در مقابل "سرپرستی بانک ملی اهواز" برگزار میکنند که میثم ال مهدی یکی از نمایندگان کارگری فولاد نیز در مورد ضرورت تشکیل شوراهای مستقل کارگری در میان کارگران سخنرانی میکند. {۲۳} از طرفی دیگر از ۳۱ مرداد ۹۷ کانال سندیکای هفت تپه به جای مطلب در سه پست یک خطی چیزهایی در مورد خصوصی سازی نوشته است که اینطور به نظر میرسد هدف صرفا جلب توجه به کلمه خصوصی سازی باشد. برای مثال این پست یک خطی سندیکا است که اینطور نوشته است (اعتصاب برای جلوگیری از تجزیه و مالکیت خصوصی شرکت هست). در پست بعدی سندیکای هفت تپه اینطور نوشته شده است: " کارگران هفت تپه خواستار ورود مسئولین ارشد استان برای تعیین تکلیف مدیریت شرکا هستند دو سال نیم خصوصی نتیجه اش تباهی تباهی تباهی". {۲۴}

این را خود کارگران و فعالین پیشرو در هفت تپه میتوانند تشخیص بدهند که چه اتفاقی می افتد که با یک چرخش قلم و اینگونه یکسره لیست بلند بالای خواسته ها به کنار گذاشته میشود و "یک شبه" مسئله ای

به نام خصوصی سازی به صدر خواسته ها ارتقاء پیدا میکند. باید دید مستقل از فضای مجازی، در میدان واقعی مبارزه کارگران چه کسانی از طریق تزیق این ادبیات، کمر به انحراف خواسته های کارگران بستند و "یک شبه" تلاش کردند این را در گوش کارگر معترض بخوانند که به جای پرداخت دستمزدش که باید صرف زندگی خود و خانواده و اجاره خانه و بقیه نیازمندیهای زندگی شود و به خاطر نپرداختن آن تعدادی کارگر متأسفانه دست به خودکشی زدند، از این خواسته ها عبور کنند و "اخراج بخش خصوصی" که تاثیری در دستمزدشان ندارد را به عنوان خواسته اصلی فریاد بزنند.

تا جاییکه به کانال سندیکا برمیگردد میتوان در خوشبینانه ترین حالت در قالب اشتباه ادمین این کانالها ارزیابی کرد که تحت تاثیر تبلیغاتی بوده اند که در میدان واقعی، کارگران هفت تپه را مسموم کرده است. چون برخلاف اتفاقی که در فضای مجازی و در اینجا در کانال تلگرامی سندیکا و همچنین کانال تلگرامی دیگر کارگران "هفت تپه" کانال مستقل کارگران" اینجا و آنجا می افتد اما در میدان واقعی و در خود هفت تپه اعتصابات به گونه ای دیگر پیش می رود. اسماعیل بخشی که بیشتر سخنرانیهایش هنوز هم در فضای مجازی موجود است حتی زمانیکه علیه بخش خصوصی صحبت میکند، هیچگاه چنین جایگاهی برای مسئله خصوصی سازی به عنوان خواسته کارگران که به اعتصابات تزیق میشد، نداده بود. اسماعیل بخشی تا این زمان یعنی تا ۲۹ مرداد ۹۷ به عنوان نماینده و زبان اعتراض کارگران هفت تپه اعتراضش اعتراض همه کارگران هفت تپه به نپرداختن دستمزد و سایر خواسته های دیگر است که طبیعتاً رو به مدیران و کارفرمای هفت تپه است و جاییکه همسویی عوامل امنیتی و سرکوبگر رژیم با کارفرمای هفت تپه عیان میشود این همسویی منافع سیاسی و اقتصادی آنها را هم افشا میکند و در هیچ یک از سخنرانیها، بخشی، چنین جایگاهی به مسئله "خلع ید" نمی دهد. بعداً می بینیم جریاناتی در هفت تپه مسئله خلع ید را تا سطح اولین "خواسته" بالا میبرند و می بینیم زمانی این مسائل به فضای مجازی کشیده میشود که در فضای واقعی برای آن کار "لازم" را کرده اند و از آن تاریخ به بعد در نوشته های بخشی هم چنین ترمی با اما و اگر و ملاحظه و استفاده از ترمهای ترکیبی "بخش خصوصی و مالکیت خصوصی" وارد میشود.

اما تا آن زمان هم که بعداً به آنها اشاره خواهم کرد، اگرچه قابل مشاهده است که خط رادیکال کارگری از طرف "خط خلع ید" زیر فشار قرار گرفته است اما اسماعیل بخشی به آن تمکین نمیکند و جایگاهی که مدافعان "خط خلع ید" به این مطالبه میدهند را برای آن قائل نیست. اسماعیل بخشی به تاریخ ۱۹ مرداد ۹۹ در یک مطلب تصور خودش از "خلع ید" را مستقل از درست یا غلط بودن آن بیان میکند. بخشی در این مطلب میگوید: "«خلع یدی» که کارگران هفت تپه امروز فریاد می زنند به معنی کوتاه شدن دست «بخش خصوصی و نیمه خصوصی و حقیقی و حقوقی از هفت تپه است نه اینکه این کارفرما برود دیگری بیاید... به همه ی همکاران رنجدیده ام در شرکت عرض میکنم اگر مسئولینی می آیند و در حمایت از ما میگویند این کارفرما «اهلیت» لازم را ندارد نباید خوشحال شویم بلکه بالعکس باید نگران باشیم چرا؟ چون وقتی واژه ی «اهلیت» کارفرما را مطرح میکنند یعنی اینکه این کارفرما برود و دیگری که به زعم آنها اهلیت دارد جایگزین شود... کارگران معترض از هرچه بخش خصوصی و نیمه خصوصی بیزارند و نمیخواهند از چاله به چاه بیفتند و وقتی میگویند مدیریت هفت تپه را به کارگزارانش بدهید یا آنرا به دولت برگردانید با «نظارت کامل کارگران» چون به دولت هم اعتماد ندارند پس همه بدانند مطالبه ی اصلی کارگران هفت تپه «خلع ید» هرچه خصوصی و نیمه خصوصی از سر کارگران کشت و صنعت

نیشکر هفت تپه ست... " {۲۵}

به مسئله خصوصی سازی و خلع ید از آن در ادامه برمی گردیم چون خطی که با ابزار "اعتراض به بخش خصوصی" در هفت تپه سوار اعتصابات میشود همین خط انحرافی "عدم اهلیت" است که چهره های مخفی آن که در میدان حضور داشتند و تا قبل از دوره سیزدهم مضحکه انتخابات ریاست جمهوری رژیم اسلامی مخفی بودند و به "ناگاه" عیان میشوند و سر از ستاد تبلیغاتی مضحکه انتخابات رژیم و برنامه های لایو اینستاگرامی عوامل "بسیج عدالتخواه" در می آورند.

به تاریخ ۱ شهریور ۱۳۹۷ اطلاعیه ای با امضای "جامعه کارگری هفت تپه" که با "ایه قران" شروع میشود و خبر از یک نشست میان "کارگران" و مسئولین رژیم میدهد در کانال سندیکای هفت تپه به اشتراک گذاشته میشود که قابل توجه است. این نشست با توجه به ادبیات آن میشود حدس زد که نشست نمایندگان رژیم با عوامل شورای اسلامی رژیم و احیانا تعدادی از کارگران هفت تپه هم بوده است. مطلب مذکور با اشاره به اینکه این جلسه برای "حق خواهی و استمداد جستن از مسئولین محترم" است و "دست هیچ ضد انقلاب و معاندی در کار نیست" و "مطالبات از ابتدا تا کنون (رفتن آقایان سرمایه دار از منطقه و برگشت شرکت به حالت دولتی)" بوده و این به اصطلاح استمداد و حق خواهی "در محیطی کاملا آرام و بدون از تهدید و خشونت و شعارهای ضد حکومتی آن جام گرفته و حالا نوبت مسئولین محترم شهرستان و استان و کشوری است تا حق را برای کارگران مومن و زحمت کش این سرزمین به ارمغان آورند" {۲۶} سندیکای هفت تپه در یک پست جداگانه و با امضای سندیکا در مورد این نشست و بی نتیجه بودن آن صحبت میکند. سندیکای هفت تپه میگوید: "همچنین در جلسه عصر روز پنج شنبه مقرر شد جلسه نهایی با حضور نمایندگان کارگری، نماینده و فرماندار شهرستان شوش فردا جمعه ۲ شهریور ۹۷ در محل استانداری خوزستان واقع در شهرستان اهواز برگزار شود.. " {۲۷}

بدیهی است فشار خورد کننده اعتصابات در هفت تپه رژیم را در منگنه قرار داده است، کسانی که به عنوان "مسئولین" در این گونه نشستها با محوریت شورای اسلامی ضد کارگر رژیم شرکت داشته اند هنوز راه فرار کوتاه مدتی هم نیافته اند، مسئله هفت تپه بزرگتر از "وزیر محترم کشاورزی (آقای حجتی) استاندار محترم خوزستان (آقای شریعتی) "نماینده محترم" شهرستان شوش (آقای نوری) "فرماندار محترم" (آقای غزّی)" است و این آقایان "محترم" خود باید منتظر باشند از یکطرف فضای هفت تپه آنگونه که شورا اسلامی چی ها در آن جلسه گفته اند دست "ضدانقلاب" در کار نیست و "محیط آرام است"، کارگران دست "استمداد" به روی "مسئولین دراز کرده اند و مسئله کارگران هفت تپه صرفا برداشتن یک کارفرما و جایگزین شدنش با دولت است کاملا عیان و همه گیر شود و از هر سوراخی فریاد زده شود و از طرفی دیگر بتوانند این فضای "ارام" که در آن "معاند و ضد انقلاب" نیست و صرفا "دست استمداد برای برداشتن یک مدیر" است را با چشم ببینند و به بالاتر گزارش دهند تا از بالا و اتاق فکرها راه گریزی کوتاه مدت از این ستون به آن ستونی پیدا کنند.

چهارم شهریور ۱۳۹۷ نهمین روز دور دیگری از اعتصابات در هفت تپه ادامه پیدا میکند. نکته قابل توجه در اطلاعیه سندیکای هفت تپه این است که از عملکرد ضعیف بخش خصوصی و واگذاری آن به "بخش دولتی و نهاد صلاحیت دار" و همچنین دستمزد کارگران تاکید دارد. این در حالی است که اگر صحبتهای نماینده گان کارگری در هفت تپه را یا حتی اطلاعیه های قبلی سندیکا در مورد مشخصات خواسته های کارگران هفت تپه را در نظر بگیریم این اطلاعیه هم کاملا در تناقض با اطلاعیه های قبلی

سندیکا است. از سویی دیگر در خارج از فضای مجازی و در میدان اعتصابات کارگری در هفت تپه صحبت‌های دیگری در جریان است. در نهمین روز اعتصاب با وجود اعتراض سندیکا به واگذاری شرکت به بخش خصوصی که در برخی نوشته‌هایشان منعکس شده است اما صحبت اسماعیل بخشی در همین اعتصابات "تشکیل شوراهای مستقل کارگری و مردمی" است که قرار است بر دولت نظارت کنند. معلوم نیست چرا در کانال تلگرامی سندیکای کارگران هفت تپه از طریق این اطلاعیه‌ها یک چیز گفته میشود و نمایندگان کارگری در اعتصابات در سخنرانیها چیز دیگری میگویند. آیا سندیکای هفت تپه دست زدن کارگران برای نماینده‌های خودشان را نشنیده است که این سخنرانیها را با دست زدن تایید کردند؟!

تعدادی از "نماینده‌های" کارگران پس از نشست با استاددار و مسئولین استانی رژیم و بی نتیجه ماندن این نشستها، در اعتصاب خودشان اینگونه پاسخ آنها را میدهند که باید کارگران خودشان شورای مستقل کارگری تشکیل بدهند اما سندیکای هفت تپه بر برخی "خواستها" ها انگشت گذاشته است که با اعتصابی که در میدان وجود دارد همخوان نیست. {۲۸،۲۹} در این میان و پس از برگزاری جلسات و نشستها با محوریت شورای اسلامی کار و مشاهده اوضاع از زبان نمایندگان شورای اسلامی و گزارش ان به مسئولین "محترم" پای "روزنامه نگاران" رژیم هم به اعتصابات هفت تپه باز میشود. روزنامه شرق یکی از این دست روزنامه‌ها است که سندیکای هفت تپه به تاریخ ۳ شهریور ۹۷ از ان خبر میدهد و میگوید: "حضور گزارشگران روزنامه شرق در میان کارگران معترض نیشکر هفت تپه و سخنان کارگران از وضعیت وحشتناک شغلی و معیشتی و نارضایتی از عملکرد این بخش خصوص طی این مدت نزدیک به سه سال". این به اصطلاح روزنامه نگار و خبرنگار با رفتن به هفت تپه و با گذاشتن میکروفون جلوی کارگران و سانسور صحبت کارگران تلاش کردند هم توجه را از روی هفت تپه و نمایندگانشان و علی‌الخصوص اسماعیل بخشی بردارند هم، جهت این اعتصابات را آنگونه که شورای اسلامی چی‌ها گفته بودند "معاند و ضدانقلاب در کار نیست" به فیلم و گزارش تبدیل کنند و برای مهندسی این اعتصابات در خدمت اطلاعات و اتاق فکرهای رژیم قرار بدهند. سوم شهریور قبل یا بعد از سخنرانی جاتانه اسماعیل بخشی، سرو کله روزنامه شرق میان کارگران هفت تپه پیدا میشود و "نارضایتی" به "ضعف بخش خصوصی" را پوشش میدهد. {۳۰،۳۱}

بخش خوراک دام در هفت تپه شاهد حوادث زیادی بوده است. از آتش سوزی گرفته تا توطئه و اتهام زدن به کارگران ان بخش در خصوص سرقت از مهمانسرای مدیریت بخش خوراک دام از جانب مدیریت ان بخش و کش و قوسهای اداری و وعده و وعیدهای فرماندار رژیم در شوش در مورد بهبودی اوضاع. پس از حضور فرماندار رژیم در شوش در میان کارگران در ۷ شهریور ۹۷، به تاریخ ۹ شهریور ۹۷ سندیکای کارگران هفت تپه با انتشار یک اطلاعیه با امضای "اطلاعیه مجمع نمایندگان" از جلسه "شورای تامین" با حضور "معاونت استاددار" رژیم در اهواز خبر میدهد که ۹ قرار در آن جلسه به تصویب رسیده و یکی از آنها برداشتن یا "خلع" مدیریت بخش خوراک دام شرکت است. در قرار تصویبی شماره ۱ این جلسه آمده است: "۱- از این لحظه به بعد قائم مقام سابق "غفاری" هیچ نقش و هیچگونه سمتی چه در ظاهر و چه در پشت پرده ندارد و کارفرمایان قویاً اعلام نمودند کارگران هیچگونه نگرانی در این خصوص نداشته باشند." سندیکای هفت تپه به تاریخ ۳ ابان ۹۷ مطلبی را در کانال تلگرامی تحت عنوان "افتخاری دیگر برای کارگران نیشکر هفت تپه" درج میکند که در بخشی از ان آمده است: " امروز بعد از پیگیری های نمایندگان کارگری و با حضور قائم مقام محترم جناب آقای مهندس مددی در

کارخانه خوراک دام رسما، خلع ید این کارخانه از مدیر قبلی از کابینه قائم مقام قبلی مخلوع و بازگشت آن به مجموعه نیشکر هفت تپه در حضور کارگران این کارخانه اعلام کرد، و بزودی مدیران جدید این کارخانه که گویا هم از متخصصان هفت تپه می‌باشند برای مدیریت کارخانه خوراک دام معرفی میشوند".

در حالیکه کارفرمایان "محترم" به کارگران میگویند که هیچگونه نگرانی نداشته باشند اما بخش خوراک دام شرکت هفت تپه را به حال خود رها میکنند. کارگران هفت تپه به تاریخ یکشنبه ۶ ابان ۹۷ در یک مطلب به این کارفرمایان شرکت اعتراض میکنند و اعلام میکنند فردای همان روز یعنی ۷ ابان و برای این خواسته اعتصاب میکنند. کارگران بخش خوراک دام این دو خواسته را مطرح میکنند: "تعیین ساعت صفر و تاریخ صفر جهت اتمام روند قراردادی کردن تمام پرسنل. تعیین و معرفی مدیری لایق و متعهد جهت خوراک دام". اینکه رابطه مدیری "لایق" با تعیین ساعت صفر و تاریخ صفر جهت پایان دادن به قراردادی کردن کارگران آنبخش چیست، فعلا در اولویت این نوشته نیست اما عوامل رژیم در شکل کارفرما و مدیریت و قایم مقام شرکت هفت تپه از یک طرف بخشی از کارگران را وارد دالان پیچ در پیچ اداری و تحمیل شرایط فرسایشی و تحلیل بردن اعتصابات میکنند و از طرفی دیگر وانمود میکنند که در حال حل مشکلات هفت تپه هستند و از طرفی دیگر بخشهایی از کارگران را برای کوتاه مدت سرگرم "دستورد و افتخار دیگر" همانطور که در مطلب درج شده به تاریخ ۳ ابان ۹۷ در سندیکا میکنند. {۳۲}

و {۳۳، ۳۴} سندیکای هفت تپه به تاریخ ۵ ابان ۱۳۹۷ مطلبی از فیلیپ آلستون، گزارشگر سازمان ملل را در کانال سندیکا بازنشر میکند که ایشان طی گزارشی که دبیرکل این سازمان "هفته‌ی گذشته" به مجمع عمومی سازمان ارائه کرده، خصوصی‌سازی را نقض نظام‌مند حقوق بشر دانسته است. در مطلب بازنشر شده آمده است که فیلیپ آلستون از مدافعان حقوق بشر خواسته است به عواقب خصوصی‌سازی توجه کنند. {۳۵}

از طرفی دیگر طبق قراری که در جلسه موسوم به "شورای تامین" و با حضور نمایندگان رژیم مقرر شده بود که حقوق کارگران سر وقت پرداخت شود و به اصطلاح برای "پاسخ" گفتن به خواسته های کارگران یک مدیر نالایق را برداشته و مدیری "لایق" جای آن را بگیرد، اما حقوق کارگران همچنان پرداخت نمیشود. یعنی با گذشت چند هفته از آنچیزیکه "خلع ید" از یک مدیر خوانده شد و در ۹ بند قرارهایی با حضور نمایندگان رژیم به تصویب رسیده، مدیر جدید "مهندس مددی" راه مدیر قبلی را در همان جهت ادامه داد و حقوق و دستمزد کارگران را به گرو گرفت. به تاریخ ۱۳ ابان ۹۷ سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در یک مطلب در کانال سندیکا اینگونه می نویسد که: "به استحضار کلیه کارکنان شریف و محترم شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه میرساند که بنابه مصوبه ی جلسه ی اخیر شورای تامین استان که با نمایندگان کارگران و کارفرما برگزار گردید مقرر شد که دوازدهم الی پانزدهم هرماه حقوق پرسنل واریز گردد، اما با پیگیری های امروز نمایندگان و صحبت با آقای خطیب که راس ساعت ۲۰ امشب به شرکت مراجعه کرده بودند، نمایندگان و جمعی از پرسنل سایر قسمت ها جوایای تاریخ واریز حقوق مرداد ماه بودند، حقوقی که قرار بود فردا واریز شود اما در کمال ناباوری آقای خطیب عنوان نمودند که تا اطلاع ثانوی و فعلا خبری از واریز حقوق نیست." {۳۶} خطیب یا خطیبی که از ایشان به عنوان مسئول دفتر مدیر عامل هفت تپه یاد شده است در تاریخ ۱۴ ابان ۹۷ و در پی پیگیری کارگران هفت تپه برای پرداخت دستمزدشان، اخبار سر و دم بریده ای را در میان نمایندگان کارگران پخش میکند. سندیکای هفت تپه در مطلبی تحت سه عنوان "اتفاقات ناخوشایند، صحبت‌های تکان دهنده، هفت تپه به

کدام سو" از زبان خطیبی نقل میکند که: "مدیر عامل هفت تپه در جلسه اخیر با نمایندگان کارگری در دفتر مدیریت شرکت اشاره نموده و گفت: اتفاقی افتاده و نه من میدانم و نه شما میدانید مرجع قضایی کار خود را انجام میدهد." سندیکای هفت تپه به نقل قول ادامه میدهد که "خطیبی افزود: تا این لحظه مستنداتی ارائه شده است و اگر مستندات مورد قبول مرجع قضایی قرار نگیرد این شرکت خلع ید شده، به دولت و یا بخش خصوصی و یا شخص دیگری واگذار خواهد شد. خطیبی افزود: تا زمانی که حکم قضایی بر علیه هفت تپه صادر نشود این مجموعه بکار خود ادامه خواهد داد و پرداخت حقوق در تعهد آنان خواهد بود." {۳۷}

سندیکای هفت تپه در نوشته ای به تاریخ ۱۶ آبان ۹۷ رسماً از کارگران میخواید جلوی دفتر مدیریت هفت تپه تجمع کنند. نوشته مذکور به نمایندگی از کارگران میگوید که مدیریت هفت تپه از سه سال پیش به وعده های خودش در خصوص حقوق کارگران و مطالبات عقب افتاده کارگران عمل نکرده است و تاکید میکند که مدیریت هفت تپه نسبت به تعهد خود با جلسه موسوم به "شورای تامین" استان خوزستان و مسئولین محلی رژیم هم پایبند نبوده است. سندیکا اعلام میکند که به "مسئولین دولتی" هشدار میدهد که اگر به خواسته های کارگران پاسخ ندهند اعتصاب را به بیرون شرکت خواهند کشید. اما نکته مهم اینجاست که در همین اطلاعیه که در ابتدای آن به مطالبات عقب افتاده کارگران که سه سال نسبت به آن بی توجه بوده اند اشاره میشود، در پایان این اطلاعیه اینگونه آمده است: "در دور جدید تخلفات کارفرمایان شرکت، کارگران شاهد تخلف مدیر عامل شرکت که اخیراً بر حسب اعلام بانک مرکزی و بعد از دریافت میلیون ها دلار و ارز دولتی با عنوان تخلف اجرایی نکردن تعهدات خود در قبال دریافت ارز، به این علت مشخص شد که مدیر عامل در بازداشت بسر میبرد و این نگرانی بزرگ را برای کارگران هفت تپه بوجود آورده که کارگران جز خواهان خلع ید شرکت از بخش خصوصی به بخش دولتی یا نهادی دیگر چیز دیگری مطالبه نخواهند کرد." یعنی دو روز قبل مسئول دفتر مدیرعامل اعلام میکند که مستنداتی هست که کسی چیزی نمیداند، روز ۱۶م سندیکا از کوبیدن بر مطالبات سه سال قبل در همین اطلاعیه بلافاصله به "مطالبه خلع ید" و واگذاری شرکت به بخش دولتی یا نهادی دیگر شیفت میکند. {۳۸}

از روز ۱۶ آبان ۱۳۹۷ که این خبر از طریق "خطیبی مسئول دفتر مدیرعامل" هفت تپه پخش میشود که مدیرعامل در بازداشت است، اولین فراخوان اعتصاب از جانب سندیکا در ۱۷ آبان ۱۳۹۷ رسماً با پلاکارد خلع ید از بخش خصوصی و بازگشت هفت تپه به بخش دولتی تبلیغ میشود. اما نکته مهم اینجا است، در آن اعتصاب که اسماعیل بخشی سخنرانی میکند، بخشی، به هیچ وجه این فراخوان سندیکا که بازگشت هفت تپه به بخش دولتی در آن تبلیغ میشود را دنبال نکرده و برعکس، ایشان حکومت را هم با به اصطلاح "بخش خصوصی" زیر سوال میبرد و میگوید: "که اینها از روزی که آمدند بد آمدند، منظور اسدبیگی است، بخشی میگوید مسئله این است که اینها یعنی دولت چطور و تحت چه شرایطی این شرکت را دادند. بخشی میگوید ما از روز اول به دولت گفته ایم که این شرکت مال ما کارگران بوده مال مردم اینجا بوده، بخشی ادامه میدهد که ما تا وزارت هم رفته ایم و سوال کردیم که این شرکت به چه کسی داده شده، چطوری داده شده و ... ولی کسی جواب نداده و هر جا که رفتیم حمایت میکردند از سرمایه دار. من به عنوان نماینده تو با وزیر، استاندار، فرماندار، اطلاعات، نمایندگان استان، نمایندگان شهرستان. ما از نمایندگی شما رفتیم و تهش اینها از سرمایه دار حمایت میکنند. یک اسمی هم برای سرمایه دار انتخاب کرده اند و میگویند کار آفرین! چه کار آفرینی، شرکت آماده بوده، ما آماده بودیم و ایشان آمده روی یک

شرکت آماده، چه کار آفرینی؟! اخرش هم میلیاردها پول گرفته اند به نام هفت تپه به نام ما.... دولت هم مقصر است و باید محکوم شود و به ما کارگران غرامت بپردازد." اسماعیل بخشی در ادامه میگوید: "کسی چیزی نمیگفت که این آقایان، {منظور اسدیگ است} کجا هستند، بعدا خود بچه های هفت تپه تحقیق کردند و فهمیدند که اختلاس کردند. به آقای دولت میگویم که این آقایان کجا هستند، زندان هستند بگویند که زندان هستند، فرار کردند بگویند تحت تعقیب هستند بگویند، نمیگویند، چرا؟ چون پای خودش گیر است. خودش این را آورده. تف سربالا است اگر بخواد با اینها برخورد کند. حاصل سیستم اقتصادی خودش اینها. آن همه ما را تهدید کردند و به زور میگفتند که باید بیایید سر میز مذاکره وگرنه بازداشت میشوید، ما نترسیدیم و رفتیم سر میز مذاکره. منتها، امروز اینجا جمع شدیم تا بفهمیم معنی شوراهاى مستقل کارگری چیست، همین است. یعنی جمع میشیم و کاری به هیچ کسی نداشته باشیم. اگر امیدتون به دولت است، اگر امیدتون به بخش خصوصی است، اگر امیدتون به این است که کسی دیگر بیاید تا من خیالتان را راحت کنم که همین آش است همین کاسه. همیشه دستور از بالا آمده، ما امروز تصمیم گرفتیم که حکم از پایین بره بالا. ماتعیین میکنیم برای دولت. آقایان دولت، استاندار یا هرکسی. دیگر بخش خصوصی در اینجا جایگاهی ندارد. ما دوتا تصمیم داریم که نهایتا خودتان تصمیم بگیرد {رو به کارگران میگوید}. یکی اینکه هفت تپه کامل دست کارگران بیوفتد، شورایی تشکیل میدهم و هرچی درآمد، همه ما تخصص ها را داریم نگران هم نباشید. تا الان کی هفت تپه را اداره کرده. به خودتان ایمان داشته باشید، من این ارزو را دارم که روزی برسد که هفت تپه را خودمان خودگردان اداره کنیم، این یکیش است که نظر شخصی من است. نظر دیگر اینکه اصلا فرض کنیم اجازه نمیدهند که ما هفت تپه را خودمان خودگردان اداره کنیم. اگر دولت آمد صفر تا صد امور باید زیر نظر شوراهاى کارگری باید دولت کار بکند. اگر مدیر دولتی بیارن فکر میکنید کی است یکی است مثل همین حضرات. ما التروناتیومان شورا و جمعی است، ما فردطلب نیستیم، فرد طلبان و ناسیونالیستها و مرتجعین خودشان را به ما نچسبانند، الترناتیو ما شوراهاى کارگری است! سه سال شرکت را چاپیدن و دولت با تمام قدرت پشتش بوده" پایان سخنرانی اسماعیل بخشی. {۳۹}

از تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۹۷ به بعد تمرکز گزارشات و اعتصابات، لااقل در کانال سندیکا بیشتر بر روی ترم " بلاتکلیفی مالکیت هفت تپه" است. گزارش مربوط به اعتصاب ۱۹ آبان در این خصوص است. {۴۰}

اعتصاب کارگران هفت تپه از چند روز پیش تا کنون که ۲۰ آبان ۹۷ است و در کانال تلگرامی سندیکا از به قول خودشان آنچه که مشخصات دستمزد و حقوق آنها است، به سمت اعتراض به مالکیت بخش خصوصی شیفیت میکند که "دولت" در قبال ان پاسخگو نیست، استاندار خوزستان را وارد ماجرا میکند که ایشان میگوید "مالکیت شرکت که اعتراض ندارد"، انها {کارگران} مطالباتی از مالک شرکت دارند و این مسئله هم به سازمان خصوصی سازی مربوط میشود و به انها مربوط نیست. از این مقطع دیگر پای رژیم به هفت تپه کاملا باز میشود و هدف گیری نادقیق یعنی با مطرح کردن اعتراض صرف به مالکیت بخش خصوصی که مرکز دعوای باندهای رژیم هم شده، مطالبات به قول خودشان "تومانی" را به کناری میگذارند و موافقت یا مخالفت بر سر "مالکیت هفت تپه" که دولتی باشد یا خصوصی، پای بازی جناحها و باندهای رژیم را به وسط اعتصابات کارگری باز میکند.

استاندار رژیم در خوزستان به تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۹۷ در اظهاراتی به خبرنگار انصاف نیوز میگوید: "چند روز است که این کارگران تحصن کرده اند و سه ماه حقوق معوقه دارند... درحال چیدن تمهیداتی

برای حل مشکل هستیم... شریعتی در پاسخ به اینکه آیا دلایل دیگری هم چون وضعیت مالکیت شرکت هفت تپه در اعتراض کارگران دخیل بوده است؟، گفت: مالکیت شرکت که دیگر اعتراض ندارد. در این مورد سازمان خصوصی‌سازی اقدام می‌کند و ما در قبالتش مسوولیتی نداریم و روال قانونی خود را طی می‌کند. " از طرفی دیگر کانال سندیکا که معلوم است علاوه بر حقوق سه ماه عقب افتاده به "بخش خصوصی" هم اعتراض دارند، عین این مطلب درج شده در سایت "انصاف نیوز" را با این تیتراژ در کانال درج میکنند: "اظهارات عجیب استاندار خوزستان/کارگران هفت تپه فقط برای حقوق عقب افتاده اعتصاب کرده اند...؟؟؟". از طرفی دیگر سایت انصاف نیوز زبان حال "عدالتخواه، اصولگرا، بسیج کارگری" یا هرچیزی که اسمش را میشود گذاشت در پایان این مطلب اینگونه مینویسد: "بخشی از کارگران سه شرکت هفت تپه، گروه ملی-صنعتی فولاد خوزستان و همچنین شهرداری شادگان به حقوق معوقه‌ی خود، وضعیت تولید و وضعیت مالکیت شرکت (در هفت تپه) اعتراض داشته‌اند." که سندیکای هفت تپه نیز عین همین جمله را بدون کم کاست در کانال درج میکنند.

کانال سندیکای هفت تپه روز یکشنبه ۲۰ آبان ۹۷ در مطلبی به اظهارات استاندار رژیم در خوزستان "پاسخ" میدهد. سندیکای هفت تپه اینگونه به استاندار رژیم در خوزستان پاسخ میدهد که بخشهایی از آن را اینجا عینا کپی میکنم. سندیکای هفت تپه می نویسد: "جناب آقای دکتر شما چگونه مسوولی هستید که نمی دانید مشکل کارگر هفت تپه سه ماه حقوق معوقه نیست و کارگران این شرکت از سال ۹۴ و واگذاری آن به بخش خصوصی (از ما بهتران) همیشه سه ماه حقوق معوقه داشته و این امری عادی و رویه معمول پرداخت حقوق هفت تپه بوده است. جناب آقای دکتر مدیر با بصیرت و همیشه در صحنه شما از کدام کانال و مجرای اطلاعاتی وقایع کارگر و شرکت هفت تپه را دنبال می کنید که نمی دانید مشکل کارگر هفت تپه، کارفرما و سهامداران بخش خصوصی است که روشنفکران دولت تدبیر و امید و همقطاران و همفکران حضرتعالی برای این مردم و این منطقه لقمه گرفته اند که در نهایت خدا اینگونه رسوایشان کرد.. کارگر هفت تپه تضمینی می خواهد برای حفظ و بقای عزت و شرفش و ریشه کنی دائمی این بخش خصوصی فاسد و امثال آن." پایان نقل قول.

اینجا صرفا بحث بر سر الفاظ مذهبی نیست بلکه اساسا ترم بخش خصوصی و ضدیت با سهامدار و انتقاد از "دولت تدبیر و امید" و مسکوت گذاشتن افشاگری علیه جناح دیگر است. این نوع توضیح در مورد بخش خصوصی حتی صد و هشتاد درجه با سخنرانیهای اسماعیل بخشی هم تفاوت دارد. سندیکای هفت تپه از یک طرف در یک سیکل تناقض گویی می افتد که مشکل کارگر سه ماه حقوق نیست، از طرف دیگر تاریخ نپرداختن حقوق کارگران را سال ۹۴ اعلام میکند که همیشه سه ماه حقوق معوقه داشته اند که یعنی مسئله حقوق هم هست و از طرف دیگر با حمله به یک جناح که مدافع خصوصی سازی است و گویا جناح دیگر نیست، راه مداخله جناح دیگر را هموار میکند و برای حفظ و تداوم و امنیت شغلی تضمین هم میخواهد. اینجا سندیکای هفت تپه به جای اینکه رو به کارگران بگوید که تضمین امنیت شغلی، پرداخت مداوم و بدون تعویق دستمزد و تحقق دیگر خواسته ها تنها و تنها مبارزه خود کارگران علیه رژیم و دارو دسته هایش است، اما مستقل از نیت نویسنده این نوشته، به جناح دیگر چراغ سبز نشان میدهد.

از این تاریخ به بعد یعنی از ۱۹ و ۲۰م آبان ۱۳۹۷ یک بار دیگر اعتصابات به جلوی فرمانداری شوش کشیده میشود که کارگران فولاد هم به خیابان آمده اند و صدای اعتراض و همچنین فراخوان به اتحاد هفت تپه و فولاد از هر دو طرف یعنی هفت تپه و فولاد به همدیگر شنیده میشود. در این مدت بنرهایی منقش به

تصاویر کریمه خمینی و خامنه ای و رئیسی قاتل هم تقریباً همیشه یا جلوی اعتصابات و راهپیماییها است یا وسط اعتصابات از جانب برخیها حمل میشود که بر روی آن شعارهای شورای اسلامی از جمله " نه رستمی نه بیگی، شرکت بشه دولتی" نوشته شده است. در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۹۷ اعتصاب سراسری کارگران هفت تپه در مکانی به اسم "مصلی جمعه شوش" با شعار "رو به میهن، پشت به دشمن" و "کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم گرسنه ایم" سر داده میشود. قبلاً هم نامه ای به نام کارگران هفت تپه به "امام جمعه" شوش نوشته شده است که تماماً خط جمهوری اسلامی است و با امضای سندیکا در کانال سندیکا منتشر میشود. این گوشه ای از همان نامه است که به امام جمعه مرتجع شوش نوشته شده است:

" صدای تظلم خواهی و حق طلبی کارگران هفت تپه طی چند روز اخیر را حتما حضرتعالی هم شنیده اید. همان صدایی که و در تمامی مناسبتهای مذهبی و انقلابی همچون یوم الله ۲۲ بهمن، روز قدس و ... همیشه حامی انقلاب و ارزشهای نظام بوده و امروز انتظار دارد نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به خواسته های برحقش لبیک گوید و حقش را از حلقوم مخلان اقتصادی بازستاند."

این اراجیف تا مغز استخوان رژیم مستقل از اینکه از زبان چه کسی بیرون آمده باشد اما تنها میتواند از صدای یک عضو "فعال" بسیج یا شورای اسلامی باشد. سرتاپای این نوشته در تناقض با خروش حماسی اعتصابات کارگری هفت تپه و سخنرانیها و شور و هیجان فعالین پیشرو و همراهی بخش اعظم کارگران هفت تپه با آنها است. این نامه برخلاف فضای واقعی در کف خیابان که اعتصابات پر شور کارگری، خیابانها و شهر شوش و استان خوزستان و در واقع همه ایران و منطقه را تحت تاثیر خود قرار داده است، تصویری جعلی، متناقض، مستاصل و بیچاره از این اعتصابات پرشور مخابره میکند. نویسنده این نامه در بحبوحه ان اعتصابات پرشور تلاش میکند جای استیصال کلیت رژیم و پیاده نظام آنها، شورای اسلامی ضد کارگر که در سوراخ موش بودند را با شور انقلابی کارگر هفت تپه جعل کنند.}

{ ۴۳، ۴۴ }

باز هم میتوان از این نوع توهم پراکنی ها در میان نوشته های این کانال و با امضای سندیکا یافت. به تاریخ شنبه ۲۶ آبان ۹۷ مطلبی دیگر در همین راستا منتشر میشود. در ابتدای این مطلب اینگونه آمده است: " ما کارگران و پرسنل ولایت مدار شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه ضمن پایبندی به قانون اساسی در لوای پرچم جمهوری اسلامی ایران خواسته ها و مطالبات صنفی خود را برای چندمین بار به دور از هر گونه جناح گیری سیاسی و تبری از تخریب و توهین به مقدسات و ارکان نظام و در راستای اعتلا و تحقق اندیشه های امام راحل و رهبری در خصوص احقاق حقوق کارگران به عنوان بزرگترین قشر مستضعف جامعه، بمنظور جلوگیری از هرگونه سوء استفاد عناصر ضد انقلاب و معاندان داخلی و خارجی نظام، بشرح ذیل اعلام میداریم." { ۴۵ }

از ۲۰ آبان ۹۷ و با درخواست اسماعیل بخشی، خانواده های کارگری هم به اعتصابات کارگری هفت تپه می پیوندند. خانواده های کارگری، زنان، مردان و کودکان به اعتصابات کارگری می پیوندند که در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۹۷ سندیکای هفت تپه اطلاعیه ای با عنوان سرکوب آغاز شد پخش میشود که حاکی از آن است یگانهای ویژه رژیم برای چنگ و دندان نشان دادن وارد میشوند. اسماعیل بخشی در اعتصاب ۲۶ آبان سخنرانی می کند و میگوید: " آقایون ما کارکنان شرکت هفت تپه حرفی به جزء پرداخت حقوق و مطالبات نداشتیم. آخه چرا؟ چرا یگان ویژه را آورده اند؟! که با ما برخورد کنند؟! ما فقط برای مطالبات خودمان اعتراض داریم." { ۴۶ }

شب قبل یعنی ۲۵ آبان ۱۳۹۷ تلویزیون رژیم برنامه ای برای مسئولین سازمان خصوصی سازی ترتیب میدهند که در آن گفته شده که در هفت تپه طرحهای اشتغال زایی پیاده شده که تلاش میکنند، نپرداختن دستمزد کارگران را به هزینه های این طرحها مربوط کنند. در تاریخ ۲۶ یا ۲۷ آبان ۱۳۹۷ رسانه ای تا آنموقع ناشناخته سه نفر از کارگران را در مقابل فرمانداری شوش جلوی این دوربین می آورند که ایشان هم با تاکید میگویند که خواسته اصلی کارگران خلع ید از بخش خصوصی است. از آن سه نفر کارگر هفت تپه که مقابل این دوربین صحبت میکنند دو نفر از آنها رسماً از "مسئولین" میخوانند خود آنها بیایند و طرحها را ببینند؟

این رسانه با ادرس اینستاگرامی TIBIN_IR خودش را معرفی کرده است. جالب است که بدانید این رسانه درست از سال ۱۳۹۶ برای پوشش خبری استان خوزستان درست شده است و اینگونه خودش را معرفی میکند. {تی بین اولین مجله ویدیو اینترنتی در استان خوزستان است که از سال ۹۶ کار خود را در حوزه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با شعار «تی بین پیگیری مطالبات بحق مردمی» آغاز کرد.} اینک چرا این سه نفر جلوی دوربین حاضر میشوند و این تلویزیون از کجا سر درآورد احتمالاً بعداً و در ادامه اعتصابات بشود ردی از آنها گرفت. {۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱}

اعتصاب کارگران هفت تپه در سطح شهر ادامه دارد اسماعیل بخشی به نیروهای سرکوبگر رژیم موسوم به "ضد شورش" اعتراض میکند. این روز، ۲۷ آبان و قبل از دستگیری اسماعیل بخشی است. اسماعیل بخشی در این ویدیو با تاکید از رفتن بخش خصوصی میگوید و همزمان شعار "نان کار آزادی اداره شورایی سر میدهد" تعداد زیادی از کارگران هم شعار "الله اکبر" سر میدهند. در این ویدیو اسماعیل بخشی به کارگران حاضر میگوید که اگر اسماعیل هر بلایی سرش آمد به خاک نسپارن و تابوتش را به اعتصابات بیاورند. احتمالاً اسماعیل حدس زده است که امکان دارد که دستگیرش کنند. {۵۲}

عده ای از کارگران میخواهند که جلوی فرمانداری جمع شوند و بروند جاده را ببندند. در تاریخ ۲۷ آبان یگان ویژه رژیم تماماً مسلح، به تجمع کارگران حمله ور میشوند. ۲۷ آبان ۱۳۹۷ طی یک خبر در کانال سندیکا گفته میشود که اسماعیل بخشی و تعداد ۱۵ نفر دیگر از کارگران در تجمع جلوی فرمانداری شوش بازداشت میشود. در تاریخ ۲۷ آبان سندیکا با یک اطلاعیه تعداد و اسامی بازداشت شدگان را اعلام میکند. {۵۳}

اولین اعتصاب پس از دستگیری اسماعیل بخشی در ۲۸ آبان با شعار "کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد" و همچنین مرگ بر یگان ضد کارگر در خیابانهای شوش و جلوی فرمانداری شوش برگزار میشود که یک روز پس از آن و در ۲۹ آبان ۹۷ با شعار "هیئات منه الذله" کارگر زندانی آزاد باید گردد اعتراضات ادامه می یابد. ۲۹ آبان اعتراض به دستگیری بخشی به دانشجویان دانشگاه تهران میرسد و دانشجویان با پلاکارد سرخ و با شعار "فرزند کارگرانیم کنارشان می مانیم" اعتراض خود به دستگیری بخشی را اعلام میکنند. در ۳۰ آبان همراه با هشتگ همکار زندانی آزاد باید گردد هشتگ نه به بخش خصوصی هم در کانال سندیکا زده میشود. در ۳۰ آبان یکی از همان کارگرانی که جلوی دوربین رسانه "تی بین" حاضر شد، اکنون کنار یکی از "معتدین محلی یا عشایر" ایستاده و ایشان یعنی "معتد محلی" میگوید: "ما هشت سال جنگیدیم که اختلاسگر پرورش بدهیم؟" و بقیه هم کف میزنند. همزمان با تجمع و اعتراض دانشجویان دانشگاه پردیس مرکزی تهران به دستگیری اسماعیل بخشی "دانشجویان بسیجی" هم جلوی هفت تپه سرو کله شان پیدا میشود و عده ای مزدور اجیر شده هم شعار میدهد "دانشجوی

چمرانی تشکر تشکر". از اینجا میشود فهمید که این به اصطلاح کارگر که جلوی رسانه "تی بین" پیدا شد و اکنون یکی از عشایر محلی را آورده که سخنرانی کند و خودش هم کنارش است و سروکله دانشجوی بسیجی هم پیدا میشود هدفمند بوده است. سوال این است که "دانشجوی چمرانی سه روز قبل، وقتی که بخشی را دستگیر کردند " کجا بود؟. "اگر" این دانشجوی چمرانی فرستاده اطلاعات نیست؟ تازه اگر سه روز پیش نتوانسته بیاید امروز و در ۳۰ ابان آمده چرا از دستگیری ها صحبت نکرده است؟ اما از جو هفت تپه و بعد از دستگیری بخشی اینطور به نظر میرسد که کارگران هفت تپه "دانشجوی چمرانی" را تحویل نگرفته اند و اعتصابات با شعار بخش رادیکال هفت تپه با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد ادامه می یابد و با فضایی که رژیم میخواید با ماتورهایش سوار هفت تپه کند در حال تقابل است. جمعه دوم آذر و پس از گذشت چند روز از دستگیری خنیفر و بخشی و آرمن از کارگران هفت تپه، جلوی فرمانداری شوش شخصی به اسم امید آزادی "شدیدا" به رئیس سازمان خصوصی سازی حمله لفظی میکند و مثلا خیلی اعتراضی حرف میزند. اما یادمان باشد که این شخص همانی است که در رسانه "تی بین" از مسئولین کمک میخواست که بیایند و به "مسئولین" میگفت: "قبل از اظهار نظر از دور شخصا به هفت تپه بیایند و طرحهای اشتغال زایی که سهامداران هفت تپه گفته اند به خاطر پیاده کردن آنها نتوانسته حقوق کارگران را بدهد، ببینند." به نظر من این ظاهر شدن جلوی این دوربین و این سخنرانی "آتشین" علیه رئیس سازمان خصوصی سازی و نداشتن اعتراض به امنیتی کردن و حضور گله های یگان ویژه و دستگیری کارگران و نپرداختن حقوق و پیمان کردن بقیه خواسته های کارگران کاملا آگاهانه است. اینها پس از دستگیری بخشی فضا را مهیا دیدند که خط خودشان را که "بازی در میان جناحها" است پیش ببرند اما دستگیری بخشی از یکطرف و اعتصاب فولادیه و حمایتشان از هفت تپه فضایی را تا آن زمان ایجاد کرده بود که مجالی به این خط هنوز نداد و خط درخواست از رژیم برای شعار "شرکت بشه دولتی" با پلاکارد منقش به عکس خمینی و خامنه ای در حاشیه است و تلاش میکند که یواش یواش در پس سرکوب خودی نشان بدهد. در این زمان خواسته های کارگر این است. {۵۴}

۱- آزادی اسماعیل بخشی نماینده زندانی کارگران

۲- واگذاری شرکت از بخش خصوصی به دولت

۳- پرداخت تمام مطالبات معوقه

۴- انجام طبقه بندی شغلی

۵- وسایر مطالبات صنفی

در اعتصاب روز ۷ آذر یعنی ۱۰ روز بعد از دستگیری اسماعیل بخشی شاهد دو صف جدا از هم هستیم، عده زیادی با عکس پرینت شده خامنه ای جلوی فرمانداری آمده اند و اکثر کارگران دیگر با شعار "هفت تپه را دزدیدن دارن باهاش پُر میدان" شعار میدهند. باید یادمان باشد که قبلا اگر یک الی دو پلاکارد با شعار "شرکت بشه دولتی" بود که عکس خامنه ای و خمینی بر روی آن بود اینبار تعداد زیادی صرفا عکس خامنه ای دست گرفته اند. از شیوه تجمع میشود فهمید که دو دسته هستند، دسته ای که شعار میدهند و دسته دیگر در مقابل آنها صرفا با عکس خامنه ای ایستاده اند و برغم این تصور اولیه که اینها باهم هستند اما با نگاهی دوباره می بینیم که این دو دسته باهم قاطی نیستند.

همان روز که این عکس و پلاکاردهای مشکوک پخش میشود، سندیکای کارگران هفت تپه پستی تحت عنوان "پیام همکار" را در کانال تلگرامی سندیکا تحت عنوان اعلام خطر پخش میکند. در این پیام

همکار رسماً پلاکاردها و همچنین شعارهای مذهبی را به بدست به نقد میگیرند و میگویند شما فکر میکنید با رفتن پشت این یکی جناح علیه آن یکی کسی به داد ما میرسد؟ در مطلب دیگری تحت عنوان "پیام همکار" که سندیکا منتشر کرده نیز این کار "بعضی ها" که عکس قاسم سلیمانی و قالیباف و کسانی دیگر را حمل کرده اند نقد میکنند و از کانال سندیکا میخواهند که پاسخگو باشد که این عکسها برای چیست؟ همین همکار ضمن نقد این عمل عجیب و خارج از نیت سندیکا میگوید پس کجاست صدای اسماعیل که میگفت تابوتم را به میان اعتصاب بیاورید و به گونه ای هشدار می دهد که چه اتفاقی افتاده است که در این مدت کوتاه فضا عوض شده است. در مطلبی که با امضای "پیام همکار" در کانال سندیکا منتشر میشود در قسمتی از آن اینطور آمده است: " شما فکر میکنید چون جناح روحانی و جهانگیری پشت ماجرای خصوصی سازی هفت تپه هستن پس لابد جناح مقابلشان علیه خصوصی سازی است؟ نه. آنها هم سهم خودشان را در هزاران جای دیگر برداشته اند... " {۵۵} در قسمتی از یک مطلب دیگر که با امضای "پیام همکار" در کانال سندیکا و در ۹ آذر ۹۷ منتشر میشود اینطور آمده است: " آقای نماینده کارگر که با نماینده مجلس همدل شدی! آقای نماینده کارگر که با مجلس خبرگان همدل شدی! آقای نماینده کارگر که با سپاه همدل شدی! شما دارید اشتباه میروید. شما فقط باید از مطالبات کارگر گرسنه ی هفت تپه دفاع کنید. " این آقایان به اصطلاح نماینده که با بخشهای دیگر رژیم همدل شده اند و این کارگر هفت تپه با امضای پیام همکار و رو به آنها اعتراض میکند بعداً در آستانه مضحکه انتصابات ریاست جمهوری رژیم یکی پس از دیگری از سوراخ موش بیرون می آیند و آخرین ماموریت شان علیه کارگران هفت تپه را انجام میدهند. {۵۶}

در تاریخ ۹ آذر ۱۳۹۷ یعنی ده روز پس از دستگیری اسماعیل بخشی، مودی گریهای رژیم و نهادهای ضدکارگری رسماً شروع شده و مشغول جولان دادن هستند که در مقابل آن به بدست اعتراض به این مودی گریها آنطور که از مطالب نوشته شده بر می آید نیز آغاز شده است. تعدادی به اصطلاح نماینده که مطلب امضا شده با نام "پیام همکار" به آن اشاره دارد که با نمایندگان و سپاه همدل شده اند، پایان اعتصاب را هم اعلام میکنند. یعنی در این تاریخ که تعدادی از کارگران "اسماعیل بخشی و علی نجاتی و... " و حامیان کارگران هفت تپه از جمله سپیده قلیان زندانی شده اند، تمام خواسته های کارگران روی زمین مانده است و رژیم اسلامی به هیچ یک از آنها پاسخ نداده است، این به اصطلاح نماینده های کارگران سوت پایان اعتصاب را هم می کشند. پیام همکار در اعتراض به حمل عکس قالیباف و قاسم سلیمانی میگوید از کی تا حالا اینها بنر هفت تپه شده اند، بنر هفت تپه خود ما کارگرانیم. این قسمتی از مطلبی است که با امضای پیام همکار در تاریخ ۹ آذر ۱۳۹۷ منتشر شده است: " اسماعیل بخشی پرچم ما در تجمعات است و همانطور که امروز شعار دادیم: کارگر زندانی آزاد باید گردد! بخشی، نجاتی آزاد باید گردند! برخلاف خواسته ی شما تجمع ادامه پیدا کرد. خود را سنگ روی یخ نکنید. با ما همراه باشید و در تجمعات شرکت کنید. " {۵۶}

اما مودی گری ها و تلاش عوامل شورای اسلامی ضد کارگر و نمایندگان رژیم برای دست بالا پیدا کردن در اعتصاب کارگران هفت تپه به این خلاصه نمیشود. بسیج دانشجویی و نماینده گان مجلس رژیم که در مطلب با امضای پیام همکار به اسامی و تعدا آنها اشاره نشده به ملاقات خانواد اسماعیل بخشی میروند. "پیام همکار" آنها را به باد نقد میگیرد. پیام همکار می نویسد: " آقای بسیج دانشجویی... برو و برای رقابت سیاسی با اون یکی جناح جای دیگر بساط خیمه شب بازی درست کن. خانواده اسماعیل را رها کن.

کارگر هفت تپه را رها کن!" {۵۷} عوامل شورای اسلامی و بسیج بلاخره در روز ۱۰ آذر ۹۷ اعتصاب کارگران را به دو دسته تقسیم میکنند .

روز ۱۰ آذر دو تجمع شکل میگیرد. یکی با حضور اوباش سرکوبگر و مسئولین رژیم در استان و شهر شوش و دیگری توسط کارگران جلوی فرمانداری شوش. اینجا مسئله جلوی فرمانداری یا در محوطه شرکت نیشکر نیست بلکه مسئله خط و خطوطی است که در این اعتصابات از طریق طرح خواسته ها و شعارها میتوان از هم تفکیک کرد. همانطور که قبلا هم دیدیم در جلوی فرمانداری هم تعدادی از عوامل شورای اسلامی و بسیجی جلوی درب فرمانداری رژیم حضور پیدا کردند و آنجا هم با در دست داشتن عکس سران جاتی رژیم و شعارهای انحرافی سعی در انحراف اعتصابات را داشتند اما اعتصاب این روز به یک لحاظ و برای تشخیص میزان نفوذ شورای اسلامی ضد کارگر رژیم در دو دستگی و تفرقه حائز اهمیت است. عوامل رژیم از این روز رسماً تلاش کردند با بخش دیگر کارگران که با اعتصاب در جلوی درب فرمانداری موافق بودند خط تمایزی بکشند و عوامل پیاده نظام رژیم، عده ای از کارگران را به محوطه شرکت فراخوانند.

تجمع محوطه هفت تپه که توسط خود کارگران افشا شد برای تفرقه و پایان دادن به اعتصاب بود که روز قبل عوامل شورای اسلامی چی سوت پایان آن را کشیده بودند و توانسته بودند بخش اعظم کارگران را در محوطه جمع کنند. پیام همکار در مطلبی تحت عنوان " آنهایی که پایان تجمعات را اعلام کردند نماینده ی ما نیستند!" به اعلام پایان اعتصاب از طرف به اصطلاح نماینده های کارگران اعتراض میکند. نماینده هایی که تا قبل از دستگیری اسماعیل بخشی در حاشیه بودند و کمتر کسی حتی با اسم آنها در فضای مجازی آشنا بود و حتی در لیست سخنرانها، بازداشتیها و یا زندانیها هم نبودند، اما تعداد زیادی از کارگران را متوهم میکنند که "رئیس و مسئول" به هفت تپه آمده است و لذا جلوی شرکت آنها در اعتصاب جلوی فرمانداری شوش را اینگونه میگیرند. این به اصطلاح نماینده ها همان اعضای شورای اسلامی ضد کارگر رژیم هستند که قبلاً با طرح مسائلی از جمله "اعتصاب صنفی است، مسئولین بیایند و ورود کنند و غیره" این الفاظ را به وسط اعتصابات پرتاب میکردند که بعضاً از زبان کسانی دیگر هم جاری میشود. پیام همکار به این به اصطلاح نماینده ها اعتراض میکند و میگوید: "تجمع ما فردا ۸ صبح جلوی فرمانداری. همکاران با خانواده بیایید. بسیج دانشجویی و نماینده مجلس برای کاسبی جریانات خودشان می آیند. لطفاً نیایید. ما تجمع صنفی داریم نه تجمع که شما با رقبای سیاسی خودتان تسویه حساب کنید!" {۶۰، ۵۸، ۵۹}

با وجود تلاش رژیم برای دو دستگی در میان اعتصاب هفت تپه اما حضور پرقدردت کارگران فولاد "کنترل" اوضاع، باز هم از دست رژیم خارج میشود. این به اصطلاح نماینده های کارگران هفت تپه که سوت پایان اعتصاب را کشیدند و به جای اعتصاب در سطح شهر به وعده وعیدهای پوچ مسئولین رژیم گوش دادند و تلاش کردند برای کوتاه مدت هم شده هفت تپه را در حالی "آرام" کنند که هیچ یک از خواسته های آنها برآورده نشده و کارگران زندانی هنوز در زندان هستند، نه تنها نتوانستند کاری از پیش ببرند بلکه کارگران فولاد هم با شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" مشت محکمی بر دهان عوامل شورای اسلامی رژیم می کوبد. مسئولین رژیم، عوامل شورای اسلامی و تیم اسدبیگی که تا این لحظه که رهبران کارگری را دستگیر کرده اند، دو دستگی ایجا کرده اند، تلاش کرده اند اعتصاب را پایان یافته اعلام کنند و ... در حالیکه می بینند اعتصاب از جانب ان دسته از کارگران، که دست به اصطلاح نماینده

های کارگری، یعنی همان عوامل شورای اسلامی را رو کرده و مصمم هستند که اعتصاب تا آزادی اسماعیل بخشی و نجاتی و قلیان باید جلوی درب فرمانداری ادامه داشته باشد و اعتصاب هفت تپه ادامه دارد و اعتصاب فولاد اهواز هم به آن اضافه شده که آنها هم خواسته کارگران هفت تپه مبنی بر آزادی کارگران زندانی را سر میدهند، اطلاعات و نیروهای سرکوبگر به کمکشان می آیند و پیام تهدید و ارعاب برای کارگران میفرستند که اعتصاب را تمام کنند. تعدادی از کارگران به سر کارهایشان برمیگردند که در کانال سندیکا و با امضای "پیام همکار" به این کار اعتراض میشود. پست چند خطی با امضای پیام همکار اینطور مینویسد: "آنهايي که بدون رسیدن به خواسته هایشان به کار برگشتن چگونه میتوانند در چشمان اسماعیل نگاه کنند... فراموش نکنند که اسماعیل گفت حتی اگر مردم تابوت منو توی اعتصاب بیارید" {۶۲، ۶۳}

عوامل رژیم در خوزستان از هر راهی برای جلوگیری از ادامه اعتصاب استفاده میکنند و هربار سرشان به سنگ میخورد. پس از اعلام یک جانبه پایان اعتصاب از طرف دارودسته شورای اسلامی، در فضای مجازی و از زبان کارگران، جایگزینی شخصی به اسم "کاظمی"، یکی دیگر از هم تیمی های اسدبیگی به ایشان را تبریک میگویند که کارگران شهر "حر" این تلاش مذبوحانه رژیم را تقبیح میکنند. مطلبی دیگر با امضای "پیام همکار" به تاریخ ۱۱ آذر ۹۷ در کانال سندیکا منتشر میشود که در بخشی از آن اینطور آمده است: "تکذیبیه کارگران شهر حر، دیدیم در بعضی از کانالها به اسم کارگران شهر "حر" انتصاب کاظمی را از طرف ما تبریک گفتن، ما اصلا قبول نداریم ما نه اسدبیگی را قبول داریم و نه مدیران جدیدش را. ما برای تغییر مدیر اعتصاب نکرده بودیم..." {۶۴}

شورا اسلامی چی ها که پایان اعتصاب را اعلام کردند، جلوی دوربین رژیم ظاهر شدند، عکس سران جنایتکار رژیم را که دستمزد کارگران هفت تپه را به گروه گرفته اند حمل کردند، تلاش کردند برخی از کارگران را به سرکار برگردانند، اینبار بدون اینکه با کارگران هفت تپه چیزی را در میان گذاشته باشند، بدون اینکه تا آن لحظه هیچ یک از خواسته های کارگران متحقق شده باشد، در چنین وضعیتی یک جانبه سر از مذاکره به قول برخی از کارگران هفت تپه پشت درهای بسته در آورند. مطلبی با امضای "پیام همکار" به این کار اعتراض میکند و می نویسد: "تصاویری منتشر شده که گویا چند تن از نماینده های کارگری در تهران با نماینده مجلس دیدار کردن با وزیر کار دارن دیدار میکنن، سوال ما اینه که اینها از کدام کارگر اجازه گرفتن برای این کار؟ برای چی رفتن؟ چرا همه اینها محرمانه و پشت درهای بسته است؟" {۶۵} ۱۵ آذر ۹۷ مطلبی تحت عنوان "خروجی ضد کارگری وزیر کار با چند نماینده کارگری هفت تپه" در کانال سندیکا درج میشود که به حضور پنهانی و بدون اطلاع قبلی به کارگران هفت تپه و پشت درهای بسته تعدادی به اصطلاح نماینده با امضای "مجمع نمایندگان کارگری هفت تپه" اعتراض میشود. این مطلب در ادامه می نویسد: "این خروجی چیزی نیست جز لگد مال کردن و نادیده گرفتن حقوق، مطالبات و اعتراضات کارگران هفت تپه. ما نمیدانیم که آن چند نماینده کارگر آیا متوجه هستند که چه چیزهایی به آنها تحمیل میشود؟... چرا این چند نماینده کارگری به کارگران نمیگویند در چه مواردی قرار است صحبت کنند و چرا اصلا خواسته های کارگران هفت تپه در جلسات مطرح نشده و یا اگر مطرح شده چرا خروجی ها به سمت خواسته ها و منافع کارفرما و رضایت دولت برای خاموش کردن اعتراضات ما است؟" {۶۶}

۲۷ آذر ۱۳۹۷ سپیده قلیان که همراه با اسماعیل بخشی و تعدادی دیگر از کارگران هفت تپه دستگیر

شده بود با تودیع وثیقه آزاد میشوند اما در ۱۶ آذر رسانه های رژیم بر سر مسئله زندانی شدن اسماعیل بخشی مانور مذبحانه ای را انجام میدهند و اخبار ضد و نقیض پخش میکنند که کارگران هفت تپه در مقابل ان می ایستند و علیه رسانه های دروغ پراکنی رژیم افشاگری میکنند. به تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۹۸ ابراهیم رئیسی قاتل از طریق رسانه وابسته به قوه قضائیه دستوری مبنی بررسی پرونده های اخیر "یعنی دستگیریهایی هفت تپه"، "تجدید نظر و رسیدگی منصفانه" را پخش میکند. رئیسی قاتل پس از سیاست سرکوب و گسیل نیروهای "بسیجی" و بازهم بی نتیجه بودن این تلاشهای بیهوده، تداوم اعتصاب و اعتراض در هفت تپه ولو تا آن مقطع توانسته اند از طریق شورای اسلامی تفرقه هایی ایجاد کنند و همچنین به میدان آمدن پر قدرت فولادیهای اهواز، در نقش "انصاف اسلامی"، بخوان دلنک اسلامی ظاهر میشود. {۶۷}

کارگران هپکو به تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۹۸ که در پلاکاردی به زبانهای "ترکی، کردی، فارسی و آلمانی" نوشته اند ما خواهان تعیین تکلیف سهامدار عمده هستیم و لاغیر، با چه زبان دیگری بگوییم که گوش شنوا باشد دست به اعتصاب می زنند. ۲۶ شهریور ۱۳۹۸ اعتصاب کارگران هپکو توسط اوباش سرکوبگر رژیم به خون کشیده میشود و تعداد زیادی از کارگران را به شدت مورد ضرب و شتم قرار میدهند. کارگران هپکو اراک در پی حمایت از کارگران فولاد اهواز و هفت تپه و پس از ان اقدام به بستن راه آهن شمالی جنوبی ایران از طرف نیروهای سرکوبگر مورد حمله واقع میشوند. در ادامه کارگران آذربای و همچنین کارگران واگن سازی پارس هم حمایت خودشان را از کارگران هپکو اعلام میکنند. ۲۸ نفر از کارگران هپکو دستگیر میشوند که در تاریخ ۲۹ شهریور ۹۸ کارگران هپکو اعتراضات خود را به جلوی درب زندان اراک منتقل میکنند. ۲۹ نفر از کارگران در جریان اعتصابات و اعتراضات روزهای قبل دستگیر شده بودند که ۲۱ نفر از آنها با گذاشتن وثیقه آزاد میشوند و از ان هشت نفری که تا ان تاریخ در زندان مانده بودند سه نفر دیگر را نیز آزاد میکنند. {۶۸،۶۹}

در روز ۲ مهر ۱۳۹۸ و در ادامه اعتصابات پس از دستگیری اسماعیل بخشی و آزاد شدن و همچنین اخراجش از کار، آقای یوسف بهمنی در بالای سنگر در هفت تپه حاضر میشود و از "آقای رئیسی" عاجزانه درخواست میکند که همانطور که در هپکو و ماشین سازی حضور پیدا کردند و مشکلات آنها را حل کردند به هفت تپه هم بیایند و مشکلات هفت تپه را نیز از ریشه حل کنند. بهمنی در مورد اخراجیها که ۲۰ نفر هستند صحبت میکند اما از میان ان بیست نفر صرفا به اسم محمد خنیفر اشاره میکند و هیچ اشاره ای به اسماعیل بخشی هم نمیکند. سخنرانی ایشان در میان کف زدن و احسنت گفتن هوادارانش تمام میشود. {۷۰} ۴ مهر ۱۳۹۸ اطلاعات رژیم یوسف بهمنی را احضار میکند. معلوم نیست درخواست عاجزانه از رئیسی چرا جوابش احضار است. {۷۱}

بهمنی به گونه ای صحبت میکند که انگار به ایشان گفته اند که این صحبتها را به میان کارگران ببرد که هم نظر پیدا کند یا بقیه را دنبال خودش بکشد. این البته یک برداشت است. از طرف دیگر این سخنرانی عین کوبیدن میخ بر تابوت اعتصابات هم محسوب میشود. در این نقطه دیگر گرایش رادیکال سخنگو ندارد یا صدایش که در چهره یک فعال کارگری که در جلوی صف باشد خیلی ضعیف شده است اما صدای شورای اسلامی مستقل از اینکه از زبان چه کسی بیرون می آید کاملا شنیده میشود. شورای اسلامی رژیم از انجا که فضای برایش مهیا شده است دیگر نمیتواند بسنده کردن به فضای رعب و وحشت باشد و خط اش را که اکنون معلوم شد خط رئیسی و "بسیج کارگری" است، صرفا با فضای رعب و وحشت اما پچ

پس کردن پیش ببرد، باید "چهره" ای داشته باشد که برود ان بالا و خط شورای اسلامی را در پس این ارباب و دستگیرها پیش ببرد، چون در اصل دستگیرها، زندانی کردنها، پرونده سازیها، گسیل نیروهای مزدور و اوباش نظامی برای همین کار بوده است. شورای اسلامی و عوامل "بسیج عدالتخواه" به عنوان نیروی پیاده نظام رژیم تنها در چنین فضایی میتوانند پیشروی کنند، توپها به این منظور نقطه درگیرها را میکوبند که نیروهای پیاده بتوانند در پس این توپ باران پیشروی کنند. رژیم و عوامل مزدورش چنین تلاشی را سازمان دادند. در ادامه خواهیم دید که تلاشهای رژیم یکی پس از دیگری نقش بر آب میشوند.

۵ مهر ۹۸ حدود ۱۰۰ نفر از کارگران هفت تپه در حالیکه همان صحبت‌های بهمنی را روی پلاکارد نوشته و در دست دارند، با شعار "کارگر با غیرت، اتحاد اتحاد" و با صوت زدن در داخل هفت تپه مثلاً اعتصاب میکنند. از این تاریخ به بعد اعتصابات در هفت تپه با سخنرانی چهره های شورای اسلامی یا حامی یا متوهم به خط شورای اسلامی پیش میرود. از مسلم چشمه خاور و تعدادی دیگر که همیشه یادشان است در ضدیت با خصوصی سازی، بخوان جناحی کردن، و همچنین درخواست عاجزانه از رئیسی و بوسیدن دست "مقام معظم رهبری" صحبت کنند، اگر اینجا و آنجا از حقی از کارگران هم دفاع کرده باشند اما زیرجلگی خط شورای اسلامی را پیش می بردند. بعد از این ماجرا یعنی عوض شدن فضای اعتصابات یعنی عوض شدن شعارها و خواسته ها و افق و چشم انداز اعتصابات، پای دوربین صدا و سیما هم به هفت تپه باز میشود.

پای صدا سیما به این منظور باز میشود، تا انبخش از کارگران را که رژیم توانسته است با ارباب با خط شورای اسلامی همراه و منحرف کنند و در این مدت شورای اسلامیهای رژیم خواسته های جناحی و شعارهای شورای اسلامی را بر بالای سنگر تمرین کرده اند، جلوی دوربین صدا سیما حاضر شده و به جای خواسته های کارگران، هرکدام گوشه هایی از صحبت‌های عوامل شورای اسلامی را تکرار کنند. پس از دستگیری اسماعیل بخشی و عوض شدن فضای اعتصابات، عوامل شورای اسلامی هرکس را توانستند در پس فضای سرکوب همراه کردند و سایر وابسته هایشان که قبل از دستگیری بخشی جرات سربر آوردن نداشتن از هر راهی که توانستند ضدیت صرف با اسدیگی و خصوصی سازی و درخواست عاجزانه از رئیسی را بر بالای سنگر جار زدند و بخش قابل ملاحظه ای را همراه کردند. از نگاه شورای اسلامی اکنون و با حضور صدا و سیما رژیم، روز امتحان است که همان توهومات را جلوی دوربین صدا سیما تکرار کنند. {۷۲،۷۳،۷۴}

۸ مهر ۹۸ صحبت‌های "امید آزادی" عضو شورای اسلامی در صدد است شورای اسلامی را به سلامت از این وضعیت عبور بدهد. این همان شخصی است که جلوی فرمانداری شوش میگفت اگر مسئول خصوصی سازی را ببیند سیلی به بیخ گوشش میخواباند و همان شخصی است که جلوی دوربین "تازه تاسیس تی بین" ظاهر شد و از "مسئولین درخواست ورود به هفت تپه" کرد، اکنون وقتی در این مسجد در حضور "مسئولین" قرار گرفته است از شورای اسلامی و "خدماتی" که برای کارگران داشته است صحبت میکند. ایشان در مقابل "مسئولین" میگوید: "شما گفتید شورای اسلامی در هفت تپه درست کنید، ما گفتیم شورای اسلامی میان بچه ها دید خوبی روی ان نیست، **گفتیم با همین مجمع کار را پیش می بریم....**" {۷۵} از اینجا میشود فهمید که چرا این "فعالین" وقتیکه از کارگران زندانی، کارگران اخراجی، کارگران شکنجه شده و ... صحبت میکنند اسم کسانی را از قلم می اندازند و وقتی زیر فشار

مجبور میشوند اسم کارگر زندانی شده، اخراج شده یا شکنجه شده را به زبان بیاورند چقدر با اکراه این کار را میکنند.

از این تاریخ به بعد و در پس این اتفاقات که فشرده آن از فروردین ۱۳۹۶ تا ماه مهر ۱۳۹۸ همراه با فاکت‌های آن بیان شد فضای هفت تپه و نوع اعتراضات، دست بالا پیدا کردن یک نوع دیگر از "خواسته‌ها" و گاهی با ترکیبی از خواسته‌های واقعی را میشود دید. اعتصاب ۱۵ مهر ۱۳۹۸ و اعتصاب‌های دیگر تماماً رنگ و بوی همین نوشته را دارد و همین خط را جلو می‌برد که بر روی این پلاکارد نوشته شده: "ما کارگران هفت تپه بیداریم از خصوصی سازی بیزاریم" و یا "ما خواهان برکناری مدیران نالایق و ناکارآمد هستیم". از یک طرف عوامل شورای اسلامی ضد کارگر انزجار و نفرت کارگر را به سمت خصوصی سازی و نه کلیت رژیم اسلامی سوق میدهند و از طرفی دیگر رسانه‌های رژیم پیشینه "اختلاس" رو میکردند و از "بلاهای خصوصی سازی" که بر سر هفت تپه آمده است سخن می‌گویند. ارکست صدا و سیما و عوامل شورای اسلامی اینگونه هماهنگ میشوند.

این قسمتی از آن ادعاها و تلاش‌های رژیم برای به بیراهه بردن اذهان کارگران، تغذیه فکری خط قانون گرا، صنفی گرا، مسالمت آمیز و شورای اسلامی و همچنین فلج کردن اعتصابات و هدایت آن به مسیر منافع رژیم است: "نیشکر هفت تپه قبل از انقلاب ۵۷ رکورد صد هزار تن را شکسته است، "جنگ تحمیلی" این را به ۵۰ رسانده، در سال ۶۹ با نوشته شدن اساسنامه جدید طرح توسعه شرکت نیشکر هفت تپه کلید میخورد و از سال ۷۰ دوباره به جان می‌گیرد. **اواسط دهه‌ی ۸۰ بحث خصوصی‌سازی** این واحد تولیدی به دلایلی نظیر **فروودگی خطوط تولید، زیان‌ده بودن و بدهی‌های بسیار زیاد** مطرح شد و در سال ۱۳۸۶ این کارخانه **رسماً مشمول قانون خصوصی‌سازی** شد. شرکت نیشکر هفت تپه در سال ۸۷ به بدترین روزهای خود را گذراند و تولید این مجموعه تا ۱۸ هزار تن کاهش یافت. اما چه اتفاقی در سال‌های پایانی دهه ۸۰ کمر شرکت نیشکر هفت تپه را شکست؟ **بله، واردات عجیب و غریب شکر!** آنچه در اخبار آمده است بیانگر این موضوع است که طی سال‌های ۸۶ تا ۸۸ چیزی حدود **۵ میلیون تن قند و شکر** به کشور وارد شده در حالی که نیاز کشور در سال حدود ۲ میلیون تن بوده است. جالب است که بدانید در همان سال‌ها **تعرفه واردات شکر از ۱۵۰ درصد به ۱۰ درصد** کاهش پیدا می‌کند. "بله در این نقطه رژیم اسلامی خود را به موضعی فراجناحی انداخته است و انگار این "واردات عجیب و غریب، مشمول شدن خصوصی سازی، تغییرات در تعرفه‌ها" را کسانی غیر از خود رژیم انجام داده‌اند.

برای طولانی تر نشدن مطلب، از بررسی و بازبینی مسائل دیگر در فاصله مهر ۱۳۹۸ تا قبل از "اعلام خلع ید" خودداری میکنم. تا همینجا و تا جاییکه به خواسته‌های کارگران هفت تپه و همچنین مائور عوامل رژیم اعم از شورای اسلامی و بسیج "عدالتخواه" و... برمیگردد تا حدودی مسئله روشن است که چه اتفاقی در هفت تپه افتاد. اعلام خلع ید و "جشن و پایکوبی" برای آن و سرنوشت خلع ید تاکنون، و همچنین مسائل حول و حوش آن و شروع دور دیگری از اعتصابات در هفت تپه و به میدان آمدن بخش زیادی از عوامل علنی شده شورای اسلامی که در پیشا مضحکه انتصابات رژیم نقاب از چهره خود برگرفتند هم مسائل مهمی هستند که با فاکت‌های در دسترس میتوان به آن اشاره کرد.

"خبرگزاری فارس، روز شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰، در گزارشی اعلام کرد: «با ورود دستگاه‌های نظارتی، دادخواست ابطال واگذاری پرفساد شرکت هفت تپه به دادگاه ویژه حقوقی رسیدگی کننده به پرونده‌های مساله‌دار خصوصی‌سازی ارجاع شد و پس از برگزاری جلسات رسیدگی دادگاه در زمستان

سال گذشته، رای ابطال واگذاری هفت تپه صادر گردید".

"خبرگزاری جمهوری اسلامی" به نقل از "ایرنا" می نویسد: "جمعی از دانشجویان بسیجی دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر و شهید چمران اهواز روز جمعه به مناسبت خلع ید مالک شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و آزادسازی آن در محوطه این شرکت حاضر شدند و این پیروزی را به کارگران تبریک گفتند." لازم به ذکر است که مسلم چشمه خاور میان این دانشجویان حاضر میشود، این دانشجویان "چمرانی" همان "دانشجویانی" بودند که پس از دستگیری اسماعیل بخشی با در دست داشتن عکس خامنه ای جلوی فرمانداری شوش حضور پیدا کرده بودند. محسن نراقی مسوول بسیج دانشجویی دانشگاه تهران هم در این گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی و در مورد خلع ید میگوید: "طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب اگر خصوصی سازی درست انجام شود اتفاق بدی نخواهد افتاد؛ مشکل اصلی هفت تپه خصوصی سازی غلط بود."

رسانه های رژیم با پخش اخبار ضد و نقیض در مورد "خلع ید" بلاخره به این نمایش مضحک هم پایان دادند و این خبر را تایید کردند. با نزدیک شدن به مضحکه انتصابات رژیم و حضور برخی از مزدوران و عوامل شورای اسلامی در ستادهای مضحکه انتخاباتی و همچنین نشستهای رسانه ای موسوم به "مقابله با ساختار فسادزا"، از جمله مسلم چشمه خاور، خنیفر و شخصی که از ایشان به عنوان کارگر هپکو اسم برده شد و تا پیش از این خلیلیها آن دو نفر را به عنوان فعال کارگری میشناختند، تلاش شورای اسلامی ضد کارگر رژیم وارد مرحله دیگری شد. اگر این اتفاق، یعنی علنی شدن چشم خاور و خنیفر در ستاد رئیسی و جلیلی نمی افتاد، ایشان هنوز ناشناخته می ماند. این فعالین ضد کارگری نه تنها در ستادهای مضحکه رژیم حضور پیدا کردند بلکه خیلی بیشتر از این پا را فراتر گذاشتند و هرکدام بنا به ماموریتی که شورای اسلامی به آنها سپرده بود تلاش کردند تمام اعتصابات و خواسته های کارگران هفت تپه را به خلع ید تقلیل داده و بعدا یکجا تقدیم "جلیلی، رئیسی، بسیج عدالتخواه" و در اصل تقدیم رژیم کنند.

حضور اعضای ضد کارگر شورای اسلامی در اعتصابات هفت تپه، سمپاشی اعتصابات، عوض کردن خواسته ها و شعارها همانگونه که مسلم چشمه خاور در ستاد جلیلی اعلام کرد و روابط آنها با سران جنایتکار رژیم که خود را برای مضحکه انتصابات آماده میکردند، نهایتا این "اعتماد" را به رئیسی داد که در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۴۰۰ یعنی نزدیک دو ماه مانده به این مضحکه انتصابات در روزنامه "جوان" از "انتلاف با کارگران" صحبت کند. تور تبلیغاتی ابراهیم رئیسی قاتل یک هفته قبل از مضحکه انتصابات یعنی در ۲۲ خرداد ۱۴۰۰ به هفت تپه رسید و همان اعضای شورای اسلامی از سر استیصال اما اویزان به ته مانده ای از امید به حضور رئیسی قاتل رسیدند و از ایشان سراغ نخود سیاه خلع ید را گرفتند. تا این لحظه هم، حضور این به اصطلاح فعالین کارگری در تور بلیغاتی رئیسی هنوز از جانب خلیلیها توجیه میشود. مسلم چشمه خاور یکی دیگر از این عوامل شورای اسلامی است که به صورت مجازی در ستاد جلیلی حضور پیدا کرد تلاش کرد تمام اعتصابات کارگری را به خلع ید تقلیل داده و تقدیم رژیم کند. در پایین، متن پیاده شده تمام صحبت‌های چشمه خاور را می خوانید.

"صحبت‌های مسلم چشم خاور در ستاد جلیلی"

آخوند بسیجی در وسط خیابان نادری در ستاد جلیلی: مامیگیم با کار علمی و با کار تخصصی با جرات و شهامت و غیرت میتونیم وضعیت را عوض کنیم. کارگر هفت تپه را، کارخانه نیشکر هفت تپه را داشتند

نابود میکردند چهار ساله زیر فشارهای مختلف، بچه های عدالتخواه و مطالبه گر رفتند پا به پای کارگرا اینقدر گفتند اینقدر حرف زدند اینقدر کار رسانه ای کردند که الان هفت تپه در استانه آزادی است. یک نفر از میان جمعیت: چند نفرشون تو زندانند؟

آخوند بسیجی: پنج نفرشون زندانی بودند ما آزادشون کردیم.

شخصی دیگر از میان جمعیت: رسانه ای شد که آزادشون کردند اگر رسانه ای نمیشد ازاد نمیشدند.

آخوند بسیجی: کی رسانه ایش کرد؟ ما رسانه ایش کردیم.

از میان جمعیت: شما رسانه ای کردید؟ مردم رسانه ای کردند، ما رسانه ای کردیم. نود درصد اینها {کسانیکه تو خیابان نادری نزدیک ستاد جلیلی هستند} حرف تو دلشونه می ترسند حرف بزنند. من میترسم برم اونجا حرف بزنم و بگیرم و بندازن تو گونی و ببرن.

آخوند بسیجی "عدالتخواه": مسلم چشم خاور را از طریق نت و میکروفون ستاد جلیلی وارد بحث میکند.

سلام مسلم. گوش بدهید ایهاالناس این آقای مسلم چشمه خاور کارگر هفت تپه است، یکی از هماتهایی است که لیدر تغییر است. آقای چشمه خاور برای شما میگه که کیه چهار سال، پنج سال واقعا شب و روز ندارد و دارد درد مردم را داد میزند. ما حرفمان این است که اگر ما اگر ما وضعیت مان را خودمان به دست خودمان تغییر ندهیم چیزی درست نمیشود. داد میزنیم اما داد درست.

آخوند بسیجی: اقا مسلم، سلام سلام یک سلام کن با مردم.

مسلم چشمه خاور: باسلام خدمت حضاری که در ستاد هستند.

آخوند بسیجی: وسط خیابونیم، خیابون نادری.

مسلم چشمه خاور: خوب همان وسط خیابان نادری.

آخوند بسیجی در وسط خیابان نادری و ستاد جلیلی: اقا مسلم چهار سال هفت تپه در چه شرایطی بود و کیا پیگیری کردند؟

مسلم چشمه خاور: بسم الله .. حالا قبل از اینکه من در مورد هفت تپه صحبت بکنم، یک نکاتی را باید بگم. ما در جریانات هفت تپه به این نتیجه رسیدیم که **ضد انقلاب داشت سوار میشد** و موج سواری میکرد (شخصی از میان جمعیت: ما شدید ضدانقلاب)، بعد از اینکه دیدم همه رسانه های بیگانه دارن یک دوری موج سواری میکنند، دیدیم که ما دستمان به هیچ جایی بند نیست، یعنی یک فساد سیستماتیک در هفت تپه داشت انجام میشد. جلوی چشممان این را میدیدیم و فریاد میزدیم و کسی از ما حمایت نمیکرد. **این یکسال اول است**، تا اینکه **در سال دوم** {وقتیکه} این آقایون مفسد و اختلاسگر وارد هفت تپه شده بودند، دوستان مطالبه گرمون در **اهواز بچه های حزب الهی و انقلابی** که از اهواز با دست خالی ولی با دلی قوی، خودجوش و با هیچ چشم داشتی آمدند و کنار ما بودند همین آقایانی هستند، حاج اقا ریسمان سنج حاج اقا افشار محسن صباغی و خیلی خیلی از دوستهایی که در حوزه مطالبه گری در شهرستان که هفت تپه یک نمونه اش است، ما دوستانمون اندیمشک میرفتند برای مشکل بی ابی به امیدیه میرفتند،... روستای ابوالفضل میرفتند، حالا ما اینها را کم و بیش در جریانیم ولی هفت تپه را با تمام وجودمان دیدیم که ۴ سال کنار ما بودند. ما یادمان نرفته، زمانیکه شورای تامین استان ما را زندانی کرد همین آقایان آمدند درب زندان، یعنی ما هیچ زندانی را ندیدیم که ساعت ۱۱ شب از زندان ازاد نمیکند تو این کشور، این آقایان ما را ساعت ۱۱ شب از زندان درآوردند، برای چی؟ چون مطالبه ما بحق بود، نمیگویم که پارتی بازی بود، با یک عده اختلاسگر مواجه بودیم که این آقایان ضد اینها بودند، ضد فساد بودند، ضد

رانت بودند، ضد دلارهایی بودند که آقای اسدبیگی ۴۴ هزار میلیارد دلار رانت گرفته بود. **همین آقایان به ما کمک کردند تا اینها را محاکمه کردیم.** این آقایان به ما کمک کردند که **هدفمان که واقعا برگشتن پول به بیت المال بود** رسیدیم. اگر این آقایان نبودند به والله من دوتا بچه دارم حضار محترم به جان همین دوتا بچه دارم قسم میخورم که نه هماهنگی شده که من دارم این صحبت‌های را میکنم نه حاج اقا افشار قبیلش با من تماس گرفته که مسلم آماده باش ما با تو تماس میگیریم و تو اینجوری صحبت کن به والله نه. همین الان اگر بشه من میام اونجا و حضوری حرفهایم را خدمت شما حضار میزنم. ولی الان دیگر پیش امد که تلفنی انجام بدیم. همین آقایانی که الان دارن برای آقای سعید جلیلی تبلیغ میکنند، بدانید که بدون اینکه هیچ چشم داشتی داشته باشند فقط برای پیشرفت مملکت مون و برای برنامه هایی که آقای سعید جلیلی دارد، دارن این کارها را میکنند. به والله به والله به والله این آقایون بالغ بر ۵۰ بار برای مشکلات هفت تپه حضور یافتند که همین دور روز پیش هم همین حاج اقا افشار به خاطر مسائل بی ابی هفت تپه ورود کرد و با کارگرا جلساتی داشت و پیگیر مسائل هفت تپه بود.

اخوند بسیجی تلفن را قطع کرد و گفت قطع شد و ادامه داد: این مسئله هفت تپه، اینو من تماس گرفتم که فقط بگویم، الان خودش داره دوباره تماس میگیره. اقا مسلم دیگه کافی بود کافی بود خودم قطع کردم دستت درد نکند یا علی. اخوند بسیجی رو به مردمی که انجا جمع شدند میگوید: حالا چی میگین؟ وضعیت کشورمان خراب بود اما با دست روی دست گذاشتن و دیگران برای ما تصمیم بگیرن چیزی درست نمیشه. ما اینجا اعلام میکنیم، جوانها نه **اصولگراییم**، جوانهایی دهه شصت هفتاد و هشتاد ما میخوایم سرنوشت خودمان را خودمان مشخص بکنیم. ما میخوایم بگیم که ما میخوایم جریان سومی را در سپهر سیاسی ایجاد بکنیم. ما از این به بعد نه ارتباطی با **اصلاح طلب** پایان فایل تصویری."

اعتصابات در هفت تپه و خصوصا تداوم آن و سربر آوردن یک گرایش رادیکال با پرچم آترناتیو شوراهای کارگری، افشای دسیسه های اطلاعات و بسیج و عوامل کارفرما از زبان فعالین واقعی کارگری ، همزمان شدن اعتصاب هفت تپه با فولاد و هپکو و آذرب و خیزشهای توده ای در شهرها که در بالا به آنها اشاره شد، همچون پتکی بر سر رژیم اسلامی فرود آمد. از ابتدای این دور از اعتصابات که از فروردین ۱۳۹۶ آغاز شد تا زمانیکه رژیم عوامل شورای اسلامی و بسیج را به هفت تپه گسیل میکند، همانطور که در این مطلب و با اشاره به فکتهای آن نشان داده شد "اتفاقا" با صحبت‌های مسلم چشمه خاور مزدور شورای اسلامی و بسیج و همچنین صحبت‌های یوسف بهمنی یکی دیگر از عوامل شورای اسلامی که در یکی از صحبت‌هایش میگوید: "شعارها را عوض کردیم" منطبق است. پس از دستگیریهای واقعی فعالین واقعی کارگری در هفت تپه، عوامل مزدور رژیم ، تاکنون هم سعی میکنند با پرتاب کردن "خواسته هایی"، مسیر این مبارزات را منحرف کرده و از روی ریل واقعی و کارگری به ریل رژیم هدایت کنند. در این راستا کم نبودند و نیستند کسانی که یا به توجیه این "خواسته ها" پرداختند، یا این به اصطلاح خواسته ها را تکرار و تئوریزه کردند. اما با وجود این "بلبشو"، با نگاهی دقیق تر میتوان میان دنباله روان و "فعالین بسیج کارگری" خط تمایزی کشید.

آنطور که از صحبت‌های عوامل شورای اسلامی مانند "امید آزادی، یوسف بهمنی، چشمه خاور و..." برمی آید اعتصابات در هفت تپه از فروردین ۹۶ و پس از بلند کردن پرچم آترناتیو شوراهای کارگری صفوف رژیم را در هفت تپه بهم می ریزد. از طرفی دیگر عوامل شورای اسلامی که در پس توضیحات

رژیم پسند، که "شورای اسلامی مصونیت امنیتی دارد و..." به عضویت این نهاد ضدکارگری در می آیند پس از اینکه نهاد ضدکارگری شورای اسلامی در بازیهای جناحی و بانوی رژیم به این عوامل پشت میکنند و همچنین کارگران هفت تپه پرچم مجمع عمومی و شوراهای مستقل کارگری را بلند میکنند، این عوامل با حفظ مواضع رژیم پسندشان و به قول "امید آزادی و یوسف بهمنی" همان سیاست ضدکارگری شورای اسلامی را اینبار با نزدیکی به بسیج موسوم به عدالتخواه پیش میبرند و منتقد شورای اسلامی هم میشوند. اگر به ویدیوی مصاحبه یوسف بهمنی با یکی از عوامل بسیجی در قبل از مضحکه انتصابات توجه کنید ایشان از این سر شورای اسلامی کار رژیم را نقد میکنند که در خدمت کارفرما است و این توهم پراکنی که اسدبیکگی از رژیم نیست را دوباره تکرار میکند. ایشان همزمان که سندیکای کارگران هفت تپه را تمسخر میکند، با گفتن اینکه پس از بستن جاده ترانزیتی توسط کارگران، آنها دستگیر میشوند و...، تصویر درهم شکسته ای از سندیکا و تلاش کارگران و نمایندگان واقعی کارگران هفت تپه در شکل دادن به شورای مستقل کارگری و مجمع عمومی را به دست میدهد و تلاش میکند مفتضح شدن شورای اسلامی زیر فشار اعتصابات کارگری و افشا شدن دست این نهاد ضدکارگری در همسویی با کارفرما و رژیم، توسط کارگران را، پنهان کند. {۷۷}

قبلا نیز، همانطور که در بالاتر به صحبت‌های امید آزادی اشاره شد، ایشان هم همین ادعاهای بهمنی را به گونه ای دیگر تکرار و تایید میکند. آقای امید آزادی هم در یکی از مساجد رژیم اعلام میکند که قرار بوده به دلیل اینکه شورای اسلامی دستش رو شده است، عوامل شورای اسلامی همان سیاست را به درون شورای مستقل کارگری و مجمع عمومی کارگران ببرند. باید از امید آزادی، بهمنی و خنیفر و چشمه خاور و غیره پرسید که شما عوامل مزدور شورای اسلامی که تماما در خدمت تخطئه و به انحراف کشاندن مبارزات کارگری بودید، چه اتفاقی افتاد که از شورای اسلامی ضد کارگری رژیم به سمت مجمع کارگران و شوراهایی رفتید که کارگران میخواستند مستقل از دست اندازی عوامل مزدور رژیم از جمله شما، خواسته های واقعی کارگری را دنبال کنند؟ آقای بهمنی در یکی از ویدیوهایش اعلام میکند که به خاطر فعالیت های "کارگری" ۱۵ پرونده برایش باز شده است. باید از ایشان پرسید شما که عضو شورای اسلامی هستید و در برنامه لایو اینستاگرامی سیاست سرکوب رژیم را برای کارگران ترجمه میکنید که اگر کسی عضو شورای اسلامی باشد "مصونیت امنیتی" دارد، چگونه میتوانید باز شدن ۱۵ پرونده امنیتی را توضیح بدهید؟ پاسخ تا حدودی روشن است. کسانی که با هر توضیح بی پایه و اساسی عضویت در شورای اسلامی را قبول کردند و مدتها تحت امر شورای اسلامی علیه کارگران مستقل جاسوسی کردند، به کارگران گفتند اغتشاشگر و پای نهادها و عوامل بسیجی و سرکوبگر را به هفت تپه باز کردند، وقتی دیدند که شورای اسلامی آنها را به بازی گرفته است سرگردان شدند و تلاش کردند دیگر در رژیم را پیدا کرده و از آنجا که علیه مبارزات کارگری مستقل از رژیم و نهادهایش هستند، با مطرح کردن اینکه رئیسی قاتل ضد فساد است، ید طولایی در مبارزه با فساد دارد، تمام مشکلات هفت تپه بخش خصوصی است، این سیگنال را برای رژیم فرستادند که این عوامل آماده هستند و "توانایی" این را دارند که کارگران هفت تپه را به دنبالچه بخش دیگری از رژیم تبدیل کنند. این سیگنال فرستادن باعث شد که رئیسی قاتل پس از "درخواست های عاجزانه" به هفت تپه بیاید و در پیشا مضحکه انتصابات اسلامی، عوامل نهاد ضد کارگری اسلامی رژیم که زیر اعتصابات هفت تپه خرد شده بودند را به بازی بگیرد. پس از انتشار اخبار ضد و نقیض در مورد خلع ید از بورژوازی خصوصی که به گفته کارگران هفت تپه

حکم آن یک سال در کشوی میز قوه قصابیه رژیم نگه داشته شده بود، بلاخره قبل از مضحکه انتصابات و پس از مانور مضحک بر روی آن، در اردیبهشت ۱۴۰۰، رسانه های رژیم اعلام این حکم را "رسمی" کردند. از اردیبهشت ۱۴۰۰ به بعد یک دور دیگر از اعتصابات در هفت تپه به جریان افتاد. اکنون چهل روز از این اعتصاب میگذرد و رژیم دوباره زیر فشار اعتصاب در هفت تپه است. عوامل شورای اسلامی که قبل از انتصاب رئیسی قاتل بر دستگاه کشتار رژیم اسلامی چهره تا حدودی پنهان خود را در پس برخی خواسته های کارگران هفت تپه روتوش میکردند و در بحبوحه انتصابات یکی پس از دیگری "علنی" شدند، بار دیگر "خواسته اعلام قطعی حکم خلع ید و تعیین تکلیف شرکت" را دست گرفتند. در قاموس شورای اسلامی رژیم و مزدورانش قرار نیست صحبتی از خواسته های کارگران اعم از پرداخت منظم دستمزد، تشکل کارگری، بازگشت به کار کارگران اخراجی، افزایش دستمزد و ... بکنند و صرفاً دنبال این یا آن بخش از رژیم هستند. قبل از انتصاب رئیسی قاتل در پست ریاست جمهوری، درخواست عاجزانه از رئیسی از زبان مزدوران شورای اسلامی نمی افتاد و قبل از اعلام "رسمی" نخود سیاه خلع ید همان عوامل، اینبار از "اقای اژه ای"، یکی دیگر از جنایتکاران رژیم عاجزانه درخواست کمک و یاری میکنند.

پس از گذشت چهل روز از اعتصاب کارگران هفت تپه، در مرداد ۱۴۰۰ سندیکای کارگران هفت تپه اعلام کرد که "حکم قطعی اعلام خلع ید" اعلام شده و شرکت به دولت برگشته است. خط قانون گرایی در هفت تپه که صرفاً به هفت تپه هم خلاصه نمیشود، پس از دنباله روی از وقایع و زمانیکه خط شورای اسلامی و بسیج، بازگشت به دولت را تبلیغ میکردند، این توهم را پخش کردند که هدف از بازگشت شرکت هفت تپه به دولت دفاع از دولتی شدن شرکت نیست بلکه صرفاً واگذاری "مسئولیت ها" بر دوش دولت است. مطلبی که در خصوص "اعلام قطعی حکم خلع ید" در کانال سندیکا درج شده است عیناً همین توهم را به همراه دارد و اعلام میکند که "با توجه به اینکه رسماً مالک شرکت دولت می باشد پس به **استناد قانون** ادامه فعالیت و دستورات مدیران بازنشسته و وابسته به کارفرمای مخلوع چه کتبی و چه شفاهی غیرقانونی است." {۷۸}

از طرفی دیگر "اعلام قطعی حکم خلع ید" بدون اینکه کوچکترین پاسخی به خواسته های کارگران از جمله پرداخت حقوقهای معوقه و بازگشت به کار کارگران اخراجی و ... باشد، فعلاً ادامه روند اعتصابات در هفت تپه که چهل روز از آن میگذرد را هم بلوکه کرده و سندیکای هفت تپه اعلام میکند که تا اعلام زمان "تعیین مدیریت جدید اعتصابات به تعلیق افتاده است". در این دور از اعتصابات که اکنون چهل روز از آن میگذرد دوباره میتوان نشان داد که چرا عوامل مزدور شورای اسلامی با بردن اعتصاب به جلوی فرمانداری شوش مخالف بودند و چرا در این اعتصاب یا شرکت نمیکردند یا اگر شرکت میکردند با همان متد قبلی طی این سه سال با حمل پلاکاردهایی از رژیم "مطالبه گری" میکردند و تلاش میکردند باشکوه ترین اعتصابات کارگری در هفت تپه را به "آه مظلوم و سینه زنی و یا حسین گفتن" تبدیل کنند و مدام این را تکرار میکردند که حکم خلع ید باید قطعی شود. محمد خنیفر قبلاً دلیل این نگرانی از شروع دوباره اعتصاب در هفت تپه را چندین بار به عوامل رژیم گوشزد کرده بود که کاری نکنید که "زبانم لال دوباره اعتصاب شود". عوامل شورای اسلامی در این دور نیز مدام این را به رژیم گوشزد میکردند تا بار دیگر تدوام اعتصاب را با بن بست مواجه کنند. تاکید آنها بر خلع ید و اعلام آن و اکنون نیز تاکید بر تعیین تکلیف و پس از "اعلام رسمی خلع ید" تاکید دوباره بر "تعیین مدیریت جدید" همه و همه در خدمت این

بود که "دیگر" اعتصاب نشود. عوامل شورای اسلامی و سایر مزدوران بسیجی که گاه پشست درهای بسته با "مسئولین" مذاکره میکردند و کارگران هفت تپه چندین بار این کار را افشا کردند، این را احتمالا به مسئولین رژیم قول داده بودند که پایان اعتصاب یعنی "خلع ید".

کارگران هفت تپه رسماً اعلام کردند که خلع ید بازی بود و برای انحراف و همچنین پایان دادن به اعتصاب در هفت تپه و پایان دادن به این مبارزات برجسته شد. از همین امروز کارگران اعلام کردند که این بازی هم تمام شد اما همچنان پیگیر خواسته هایشان از جمله بازگشت به کار کارگران اخراجی و واکسن رایگان و سریع برای همه و غیره هستند. نخود سیاه خلع ید و شعار بی ربط شرکت بشه دولتی گرچه عملاً به کنار رفته و تاریخ مصرف گذشته اما رژیم تا انجام عملی آن و واگذاری هفت تپه به یک اسدبیکگی دیگر از این ستون به آن ستون خواهد کرد و تلاش میکنند کارگران را از طرح و پیگیری خواسته های واقعی شان دور کنند. نقش عوامل مزدور در هفت تپه، نوع تبلیغات و مانورهای مضحک شان و به دست گرفتن بهانه های دیگر برای جلوگیری از تقابل کارگر با رژیم عوض خواهد شد. آنبخش از کارگران هفت تپه و نمایندگان واقعی شان که با نگاه نقد و شکاکانه به بازی خلع و دیگر شعارهای انحرافی نگاه میکردند اگر بخواهند در ادامه راه از ریل اصلی منحرف نشوند باید هماهنگ تر و دقیق تر و موشکافانه به روند رویدادها در هفت تپه بنگرند.

اگر کارگران هفت تپه با اتکاء به فشار خودشان توانسته باشند حکم خلع ید از یک کارفرما را بگیرند قاعدتاً میبایست همین فشار کارگری منجر به بازگشت به کار کارگران اخراجی و تحمیل تعدادی دیگر از خواسته هایش به رژیم می شد. نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که رژیم ادمکشان اسلامی در میان کوهی از خواسته های برحق کارگری یکی از بی ضررترین آنها به حال رژیم شان را گرفتند و تا توانستند بر روی آن مانور مضحک انتصاباتی و جناحی و بانندی دادند. تازه کارگران هفت تپه بعد از گذشت به قول خودشان "۵" سال از این به اصطلاح خواسته، باید به رژیم ضدکارگر اسلامی سرمایه بگویند دستمزد معوقه مان را پرداخت. سوال به سادگی این است که اگر فشار کارگران منجر به "پیروزی" شده است، چرا این پیروزی به دستمزد، بازگشت به کار کارگران اخراجی، تغییر قراردادها، متوقف کردن پرونده سازی برای نمایندگان واقعی کارگران و ... ترجمه نمیشود؟

جنبش کارگری علی العموم و هفت تپه به طور اخص میبایست مرکز توجه احزاب و اپوزیسیون "چپ و کمونیست" باشد. متأسفانه تبعات عدم حضور یک چنین جریانی که جنبش کارگری زیر ذره بین اش باشد از جنبش کارگری تأثیر بگیرد و بر آن تأثیر بگذارد در فراز و نشیب اش شریک باشد و دوشادوش آن حرکت کند، باعث شده است این دو پدیده به موازات و بی ارتباط بهم حرکت کنند. احزاب چپ در جریان آلترناتیوسازی های احزاب دست راستی و صرفاً برای پاسخ به این آلترناتیوهای بی ربط، یک "آلترناتیو سوسیالیستی" که بعداً به "شورای همکاری" تغییر نام داد را درست کردند. اگر برای این احزاب جنبش کارگری دارای یک چنین جایگاهی بود کمترین کار این "شورای همکاری" بررسی دقیق تر جنبش کارگری و برخورد به موانع و انحرافات و سایر مسائل و معضلات این جنبش بود. اما از آنجا که این دوستان کلاً از یک زاویه دیگری به دنیا نگاه میکنند و بعید نیست که این را قبول کرده باشند که کاری از دست شان بر نمی آید، جنبش کارگری در هفت تپه را رها کرده و صرفاً به دنبال رو بی چون و چرای سر رویدادها و حوادث شدند. کم نبودند و اکنون هم نیستند کسانی در همین احزاب و حتی برخی از این احزاب که خود با مواضع شان تا حد یک مانع بر سر راه رشد و ارتقاء جنبش کارگری ظاهر شدند. در ادبیات

این نوع از "سوسیالیستها" به هیچ وجه نقدی به این یا آن شعار، این را آن دسیسه مطرح شده در جنبش کارگری، یا ارائه این یا آن راه حل دیده نمیشود. این نوع برخورد به جنبش کارگری این را به هر ناظر سیاسی القاء میکند که یا با همین وقایع موافق هستند، یا جنبش کارگری را بدون عیب و نقص میدانند یا مقهور این اتفاقات شده و کاری از دست شان بر نمی آید. در نتیجه با کارگری که سینه زنی میکند، سینه زنی میکنند یا در مقابل این عمل سکوت میکنند، با شادی کاذب کارگر شادی میکنند و تلاش میکنند این شادی کاذب را تنوریزه و توجیه کنند. خلاصه اینکه مبحث جنبش کارگری و احزاب مدعی دفاع از طبقه کارگر خود یک مبحث جداگانه است که امید است در آینده به آن هم پرداخته شود.

سمکو نوری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جنبش کارگری ایران

زنده باد کمونیسم

۲۶ آگوست ۲۰۲۱

لینک اعتصابات کارگری در سالهای ۹۶ و بعد

خواسته های آنها و مسائل دیگر

اولین اطلاعیه سندیکای کارگران هفت تپه که در کانال تلگرامشان اشتراک گذاشته اند.

۱-

https://t.me/syndica_7tape/55

گزارش اعتصاب عمومی در هفت تپه از طریق کانال سندیکای کارگران هفت تپه

۲-

https://t.me/syndica_7tape/100

سوء قصد به جان اسماعیل بخشی در تاریخ ۲۸ دیماه ۹۶

۳-

https://t.me/syndica_7tape/106

سخنرانی بخشی: هفت تپه را پس میگیریم. ۲۵ دیماه ۹۶

۴-

https://t.me/syndica_7tape/101

دستگیری دوباره اسماعیل بخشی و تعدادی دیگر کارگر هفت تپه در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۹۶

۵-

https://t.me/syndica_7tape/141

اعتصاب کارگران هفت تپه ۲ اسفند ۱۳۹۶

-۶

https://t.me/syndica_7tape/211

روشنگری سندیکا در خصوص پرداخت نیمه و ناتمام حقوق کارگران و افشاگری در خصوص شخصی که خود را نماینده کارگران جا زده است. دو لینک پایین

-۷

https://t.me/syndica_7tape/229

https://t.me/syndica_7tape/223

فراخوان سندیکای کارگران هفت تپه و طرح یک سری خواسته ها ۴ اسفند ۱۳۹۶

-۸

https://t.me/syndica_7tape/230

اطلاعیه سندیکای کارگران هفت تپه در مورد اعتصاب ۸ فروردین ۱۳۹۷

-۹

https://t.me/syndica_7tape/266

اولین نوشته که تحت عنوان پیام دریافتی از یکی از کارگران در کانال سندیکا پست شده است و با تاکید میگوید اولین خواسته کارگران اخراج بخش خصوصی است از اینجا شروع میشود. لینک:

-۱۰

https://t.me/syndica_7tape/269

دستگیری ۲۰ نفر از کارگران به گفته کانال سندیکا در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۹۷ که کانال سندیکا اسم تعدادی از آنها را در کانال خودشان آورده است.

۱۱- لینک:

https://t.me/syndica_7tape/276

۲۲ فروردین ماه و پایان مذاکرات کارگران با نمایندگان رژیم.

۱۲- لینک:

https://t.me/syndica_7tape/282

مشخصات حقوق و دستمزد با توجه به بخشنامه.

۱۳- لینک:

https://t.me/syndica_7tape/291

● بیانیه مشترک (سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه) سندیکای کارگران

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه گروه اتحاد بازنشستگان کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری) به مناسبت اول ماه مه سال ۱۳۹۷ که در بند ۹ آن به سیاستهای ریاضتی و

خصوصی سازی هم پرداخته است. لینک: https://t.me/syndica_7tape/324 ۱۴

اعتصاب کارگران هفت تپه در ۱۱ اردیبهشت ماه ۹۷، علت اعتصاب پرداخت نشدن دستمزد بهمن ماه

۹۶-۱۵ لینک :

https://t.me/syndica_7tape/332

اولین تلاش کارفرمای هفت تپه برای اخراج اسماعیل بخشی و یکی دیگر از کارگران تحت عنوان قرارداد کوتاه مدت سه ماهه و محکوم کردن چنین تلاشی از جانب سندیکای کارگران هفت تپه .
۱۶- لینک :

https://t.me/syndica_7tape/373

مطلبی کوتاه با امضا ابراهیم امیری.
۱۷- لینک :

https://t.me/syndica_7tape/424

همزمان با اعتصابات، دادگاهی و احضاریه برای کارگران، شکایت مدیران هفت تپه از فعالین میدانی هفت .
۱۸- لینک :

https://t.me/syndica_7tape/445

توطئه و دسیسه های مدیران شرکت هفت تپه ادامه دارد .
۱۹ لینک :

https://t.me/syndica_7tape/455

۲۸ مرداد ۱۳۹۷ اعتصاب سراسری در تمام بخشهای هفت تپه کلید میخورد و اسماعیل بخشی در پیشاپیش کارگران است.
۲۰- لینک :

https://t.me/syndica_7tape/463

۲۸ مرداد ۹۷ سخنرانی اسماعیل بخشی در مورد شوراهای مستقل کارگری که بر عملکرد دولت و از پایین به بالا نظارت
۲۱- لینک :

https://t.me/syndica_7tape/472

اعتصاب کارگران هفت تپه همچنان ادامه دارد.
۲۲- لینک :

https://t.me/syndica_7tape/492

اولین روز تجمع کارگری فولاد در ۲۹ مرداد ۹۷ و سخنرانی میثم ال مهدی
۲۳- لینک :

https://t.me/syndica_7tape/480

از ۳۱ مرداد ۹۷ کانال سندیکا به جای مطلب در سه پست یک خطی چیزهایی در مورد خصوصی سازی نوشته است .

۲۴-لینک:

https://t.me/syndica_7tape/496

https://t.me/syndica_7tape/497

https://t.me/syndica_7tape/498

مطلب اسماعیل بخشی در مورد بخش خصوصی

۲۵- لینک:

<https://t.me/kargarane7tape/5178>

اطلاعیه ای با امضای جامعه کارگری هفت تپه که با ایه قران شروع میشود .

۲۶-لینک:

https://t.me/syndica_7tape/508

کانال سندیکا در یک مطلب جداگانه به اسم سندیکا در مورد این نشستی می نویسد که بی نتیجه بوده

است. ۲۷- لینک :

https://t.me/syndica_7tape/513

نهمین روز اعتصاب کارگران هفت تپه در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۹۷ که در اطلاعیه اعتصاب، رسماً به

واگذاری شرکت به بخش خصوصی اعتراض شده است .

۲۸- لینک :

https://t.me/syndica_7tape/543

نهمین روز اعتصاب.

۲۹- لینک:

https://t.me/syndica_7tape/530

از این تاریخ به بعد دست برخی روزنامه نگار و خبرنگار به هفت تپه باز میشود .

۳۰ و ۳۱ لینک:

https://t.me/syndica_7tape/536

https://t.me/syndica_7tape/535

از چهارم شهریور ۱۳۹۷ در کانال سندیکای کارگران هفت تپه رسماً گزارشی پخش میشود که در آن به

بخش خصوصی اعتراض و خواهان بازگشت به بخش دولتی تبلیغ شده است.

لینک :

https://t.me/syndica_7tape/543

گزارش دیگری از ۵مین روز اعتصاب کارگران هفت که کانال سندیکا از آن به عنوان اعتراض به بخش خصوصی و بازگشت به بخش دولتی و نهاد صلاحیت دار اسم میبرد.

لینک:

https://t.me/syndica_7tape/544

پس از حضور فرماندار شوش در میان کارگران در ۷ شهریور ۱۳۹۷، سندیکا اطلاعیه ای عنوان منتشر میکند.

۳۲ و ۳۳، ۳۴ لینک :

https://t.me/syndica_7tape/567

فرماندار رژیم در شوش در میان کارگران هفت تپه

https://t.me/syndica_7tape/560

پیام ارسالی همکار و باز نشر شده توسط سندیکا در مورد عزل یکی از مدیران در یکی از بخشهای هفت تپه به نام بخش خوراک.

لینک :

https://t.me/syndica_7tape/676

۵ آبان ۱۳۹۷ مطلب باز نشر شده با امضای سندیکا از "فلیپ آلستون" در مورد تناقض خصوصی سازی و حقوق بشر.

۳۵ لینک :

https://t.me/syndica_7tape/673

سندیکا اطلاعیه صادر میکند و کارگران را به اعتصاب در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۹۷ فرا می خواند.

لینک ۳۶:

https://t.me/syndica_7tape/714

اطلاعیه سندیکا در روز ۱۴ آبان ۱۳۹۷. لینک

در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۹۷ اولین مطلب در خصوص "خلع ید از مدیران هفت تپه" از زبان شخصی به نام خطیبی مسئول دفتر مدیرعامل هفت تپه پخش میشود.

لینک ۳۷:

https://t.me/syndica_7tape/721

سندیکای کارگران هفت تپه در این اطلاعیه به تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۹۷ از کارگران میخواهد جلوی دفتر مدیریت هفت تپه تجمع کنند.

لینک ۳۸:

https://t.me/syndica_7tape/729

از روز ۱۶ آبان ۱۳۹۷ که این خبر از طریق خطیبی مسئول دفتر مدیرعامل پخش میشود که مدیرعامل در بازداشت است، اولین فراخوان اعتصاب از جانب سندیکا در ۱۷ آبان ۱۳۹۷ رسماً با پلاکارد خلع ید از بخش خصوصی و بازگشت به دولتی تبلیغ میشود.

لینک ۳۹:

https://t.me/syndica_7tape/739

از تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۹۷ به بعد فوکوس گزارشات و اعتصابات، لاقلاً در سطح کانال سندیکا بیشتر بر روی ترم "بلا تکلیفی مالکیت هفت تپه" است. گزارش مربوط به اعتصاب ۱۹ آبان در این خصوص

است. لینک ۴۰: https://t.me/syndica_7tape/743

اعتصاب کارگران هفت تپه از چند روز پیش تا کنون که ۲۰ آبان است و در آن از اعتراض به مالکیت بخش خصوصی اسم برده میشود که دولت در قبال آن پاسخگو نیست.

لینک ۴۱ و ۴۲:

https://t.me/syndica_7tape/755

[استاندار خوزستان: در حال حل مشکل کارگران هستیم | پایگاه خبری تحلیلی انصاف نیوز \(ensafnews.com\)](http://ensafnews.com)

سندیکای هفت تپه نامه ای به استاندار خوزستان را بازنشر میکند که اعتراض آن تماماً در زمین بازی جناحی پیش برده میشود.

لینک ۴۳:

https://t.me/syndica_7tape/758

از این تاریخ به بعد یعنی از ۱۹ و ۲۰ آبان ۱۳۹۷ دیگر اعتصابات به جلوی فرمانداری شوش کشیده میشود. لینک ۴۴:

https://t.me/syndica_7tape/869

اطلاعیه دیگری از کانال سندیکا.

لینک ۴۵ :

https://t.me/syndica_7tape/885

اطلاعیه ۲۶ آبان ۱۳۹۷ با عنوان سرکوب آغاز شد.

لینک ۴۶ :

https://t.me/syndica_7tape/889

در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۹۷ تلویزیون جمهوری اسلامی برنامه ای برای مسئولین سازمان خصوصی سازی ترتیب میدهند که در آن گفته شده که در هفت تپه طرحهای اشتغال زایی پیاده شده

لینکهای ۴۸ ۴۹ ۴۷ :

https://t.me/syndica_7tape/918

https://t.me/syndica_7tape/926

https://t.me/syndica_7tape/927

در تاریخ ۲۶ یا ۲۷ آبان ۱۳۹۷ رسانه ای ناشناخته به نام "تی بین" و حاضر شدن دو نفر جلوی این دوربین.

لینک ۵۰ ۵۱ :

https://t.me/syndica_7tape/929

لینک سایت "تی بین" و قسمت توضیح در باره آنها :

[/ https://tibin.ir/about](https://tibin.ir/about)

این ویدیو از اعتصاب کارگران هفت تپه که اسماعیل بخشی ، احتمالا یا ۲۶ آبان و یا ۲۷ آبان و قبل از دستگیری خودش است.

لینک ۵۲ :

https://t.me/syndica_7tape/956

در این زمان اعتصابات هنوز ادامه دارد.

لینک ۵۳ :

https://t.me/syndica_7tape/961

اولین اعتصاب پس از دستگیری بخشی در ۲۸ آبان با شعار "کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد" و همچنین مرگ بر یگان ضد کارگر.

لینک : ۵۴

https://t.me/syndica_7tape/1132

اعتصاب روز ۷ آذر یعنی ۱۰ روز بعد از دستگیری اسماعیل بخشی رسماً عده زیادی با عکس پرینت شده خامنه ای جلوی فرمانداری آمده اند و اکثر کارگران دیگر با شعار "هفت تپه را دزدیدن دارن باهانش پز میدان" شعار میدهند.

لینک ۵۵ و ۵۶ :

https://t.me/syndica_7tape/1259

https://t.me/syndica_7tape/1261

در تاریخ ۹ آذر ۱۳۹۷ یعنی بیش از ده روز از دستگیری اسماعیل بخشی مودی گریهای رژیم و نهادهای ضدکارگری شروع شده و اعتراض به این مودی گریها هم آنطور که از اعتراض کارگران بر می آید نیز آغاز شده است.

لینک ۵۷ :

https://t.me/syndica_7tape/1264

بسیج دانشجویی و نماینده گان مجلس که اشاره نشده چند نفر هستند به ملاقات خانواده بخشی میروند. کارگران هفت تپه این کار عوامل رژیم را افشا میکنند.

لینک ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ :

https://t.me/syndica_7tape/1271?single

https://t.me/syndica_7tape/1262

https://t.me/syndica_7tape/1265

اعتصاب فولاد، کارگر زندانی آزاد باید گردد.

لینک ۶۱ :

https://t.me/syndica_7tape/1305

تهدید کارگران برای پایان دادن به اعتصاب.
لینک ۶۳ ۶۲:

https://t.me/syndica_7tape/1310

https://t.me/syndica_7tape/1311

تکذیبیه کارگران هفت در خصوص تبریک کارگران به خاطر انتصاب "کاظمی".
لینک ۶۴:

https://t.me/syndica_7tape/1312

مذاکره در موضع ضعف و اعتراض به ان.
لینک ۶۵:

https://t.me/syndica_7tape/1354

نشست و مذاکره پشت پرده این بار تحت نام "مجمع نمایندگان کارگری".
لینک ۶۶:

https://t.me/syndica_7tape/1406

۲۷ آذر ۱۳۹۷ سپیده قلیان که همراه با اسماعیل بخشی و تعدادی دیگر از کارگران هفت تپه دستگیر شده بود با تودیع وثیقه آزاد میشود.

به تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۹۸ ابراهیم رئیسی قاتل از طریق رسانه وابسته به قوه قضائیه دستوری مبنی بر بررسی پرونده های اخیر "یعنی دستگیریهایی هفت تپه" تجدید نظر و رسیدگی منصفانه را پخش میکند.
لینک ۶۷:

دستور ویژه رئیس قوه قضائیه در خصوص احکام صادره در برخی پرونده های اخیر: به سرعت تجدیدنظر و رسیدگی منصفانه شود
(mizan.news)

اعتصاب کارگران هپکو به تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۹۸.
لینک ۶۸:

https://t.me/syndica_7tape/2249

۲۶ شهریور ۱۳۹۸ اعتصاب کارگران هپکو توسط اوباش سرکوبگر رژیم به خون کشیده میشود.

لینک ۶۹:

https://t.me/syndica_7tape/2253

در تاریخ ۲ مهر ۱۳۹۸ و در ادامه اعتصابات پس از دستگیری بخشی .

لینک ۷۰:

https://t.me/syndica_7tape/2291

۴ مهر ۱۳۹۸ اطلاعات رژیم یوسف بهمنی را احضار میکند.

لینک ۷۱:

https://t.me/syndica_7tape/2298

۴ مهر ۱۳۹۸ ابراهیم عباسی یکی دیگر از کارگران هفت تپه سخنرانی میکند.

لینکهای ۷۲، ۷۳، ۷۴:

https://t.me/syndica_7tape/2300

https://t.me/syndica_7tape/2313

https://t.me/syndica_7tape/2335

۸ مهر ۹۸ صحبت‌های "امید آزادی" عضو شورای اسلامی.

لینک ۷۵:

https://t.me/syndica_7tape/2337

اعتصاب ۱۵ مهر ۱۳۹۸ علیه "مدیران نالایق"

لینک ۷۶:

https://t.me/syndica_7tape/2363

برنامه لایو اینستاگرامی یوسف بهمنی با یک بسیجی

لینک ۷۷:

<https://www.youtube.com/watch?v=TaW1ejYUHo&t=1897s>

اعلام "قطعی حکم خلع ید" لینک ۷۸:

https://t.me/syndica_7tape/4496